

۴۲ شهریورماه ۱۳۵۷ شمسی (۲۰۳۷)
 عصر چهارشنبه ۱۰ شوال ۱۳۹۸ هجری قمری
 ۱۳ سپتامبر ۱۹۷۸ میلادی

مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات جلسه فوق العاده مجلس شورای ملی عصر چهارشنبه (۲۲) شهریورماه ۱۳۵۷ شمسی

فهرست مطالب:

- ۱- قرائت اساسی غائبین جلسه قبل.
 ۲- اعلام دستور و تعیین موقع جلسه آینده- پایان
 ۳- ادامه بحث درباره برنامه دولت جناب آقای جعفر شریف امامی.

جلسه فوق العاده ساعت چهار بعد از ظهر برای است آقای عبدالله ریاضی تشکیل شد

و در درجه اول بخاطر آنست که به ندای وجدان خود پاسخ بگویم که مرا سالهاست رنج میدهد چنانچه بکرات از پشت این تریبون عنوان کرده ام و سپس بخاطر آنست که به میهنم و ملت ایران عشق میورزم و به سوگندی که یاد کرده ام همیشه وفادار و پایدار بوده و می باشم.
مجتبائی - ششماه پیش که آقای هرمز قریب سر کار بودند چطور ساخت نشستید؟

دکتر شیروانی - من همیشه آنچه را که با حسن مسئولیت احساس کرده ام بیزان آورده ام و خود شما هم بهتر میدانید، همینطور اسم اشخاص را نباید برد، بهتر است با تعمق بیشتری باشد، منم نام کسی را نمی برم و در ضمن نام من دکتر داریوش شیروانی است.

محمد پارسا - معاونت دانشگاه را چرا قبول کردید؟
دکتر شیروانی - طبق اصل سی و دوم متمم قانون اساسی یعنی غیر موظف و بدون دریافت حقوق - مزایا - پاداش بهر نحو و شکلی چه از دانشگاه تهران و چه از محل دیگری در مملکت. در سال تحصیلی گذشته شبانه روز بیش از دو تا سه ساعت نخواهیدم و در خدمت جوانان و دانشجویان و دانشگاهیان بزرگترین مرکز آموزشی مملکت بودم و اگر تنها نقطه ضعف من در زندگی اینست بدان افتخار نموده و قبول هم دارم.

در روز یکشنبه ۱۹ شهریور ماه ۱۳۵۷ جلسه را بعنوان اعتراض ترک نمودم خصوصاً که نماینده مردم تهران بودم

۱- قرائت اساسی غائبین جلسه قبل.

رئیس - اساسی غائبین جلسه قبل قرائت میشود.

(بشرح زیر خوانده شد)

غائبین با اجازه - خانمها و آقایان : آرموده - آصف -

دکتر ابوالهدی - اربابی - دکتر اعتمادی - جهان شاه افشار -

دکتر الموتی - اهری - بهره مند - بیات - توتونچی

افشار - جاف - جعفر جوادی - حیدرزاده - خزیمه -

خسروی - خطیبی - دادفر - رحیمی لاریجانی - دکتر

رشید یاسمی - رهبر - دکتر ستوده - سعیدی - سلیمانی -

شهبازی - مهدی شیخ الاسلامی - صدر - دکتر صدیق

اسفندیاری - دکتر ضیائی - دکتر عادل - دکتر فروزین -

قرائی - کاسمی - دکتر کیان - لیوانی - مجتهدی -

دکتر محقق - مشیر - دکتر مهر - میراشاری -

نواب صفا - نوری اسفندیاری - وشمگیر - وکیل

گیلانی - بارکزی - یاسینی - اباصلتی - داودی -

جهانبانی - عدلی - کمالی آزاد - هاشمی - نائینی طبا .

۲- ادامه بحث درباره برنامه دولت جناب آقای

جعفر شریف امامی.

رئیس - وارد دستور میشویم برنامه دولت جناب

آقای جعفر شریف امامی مطرح است آقای دکتر شیروانی

تشریف بیاورید.

دکتر داریوش شیروانی - جناب آقای رئیس، نمایندگان

محترم، هیئت محترم دولت، بعنوان یک منفرد سخن میگویم

و فاجعه ابتدا در این شهر رخ داده است زیرا معتقد دولت می‌توانست از خورنیزی جلوگیری نماید (صحیح است) از یکسال قبل صحبت از تمرین دموکراسی می‌کنیم زیرا در این یکسال کم و بیش آزادی نسبی به مردم میهن ما داده شده بود، تمرین می‌کردیم یعنی باید گفت که انتظار داشتیم که مسئولان تمرینی در اصول دموکراسی بنمایند، زیرا برای یک دموکراسی مسئول ابتداء باید دموکراتهای واقعی که درک این دموکراسی را بنمایند وجود داشته باشند.

بعد از آنکه کابینه‌ای در خون و آتش سقوط کرد و زمانی که منی مانده و سوگواری بود دولت جدید بلافاصله تمام آزادیها را بملت وعده داد و منی که سالهاست بی‌اعتقاد بدستگاههاست (بعلی که بعداً ذکر خواهم کرد) و با همه بدبینها - این ملت بالاخره باور کرد و حتی بخوبی نشان داد که شایسته آزادی است و رشد سیاسی دارد و روزی سعید قنبر دوست و دشمن ملت میل را بخاطر عظیم‌ترین راه‌پیمائی مسالمت‌آمیز تاریخ ایران و جهان ستایش کردند در این روز ملت ایران بی‌اختاست و به‌بهترین نحوی رشد سیاسی و فکری خود را به جهانیان نشان داد.

در این روز تمام ایرانیانی که آرمانی جز آزادی و آزادگی ندارند و عشق جز بدین مرز و بوم نمی‌ورزند خدای بزرگ را سپاس گفتند و امیدوار بودند که با حفظ شعائر ملی و مذهبی بالاخره راه روشن آینده ایران مشخص تر شود و ملتی بیدار - هوشیار - باایمان از این نیروی عظیم ملی خود بتواند بهترین بهره‌گیری را در جهت اعتلاء و ترقی میهن خویش بنماید.

آنها که بدین مرز و بوم عشق می‌ورزند و احساس مسئولیت می‌کنند امیدوار بودند از این تاریخی‌ترین لحظات که در زندگی هرملتی بندرت دیده می‌شود در برابر نسل فعلی و نسلهای آینده ایران در این جهان پرتلاطم که با مشکلات و معضلات بسیاری دست بگریبان است مردان مسؤل این مملکت واقعیت را درک نموده و بخود آیند و با حسن نیت بالاخره تفاهم ملی و وحدت و یکپارچگی ملت را که آرزوی هر ایرانی اصیل است بوجود آورند. - تا ملت ایران بالاخره باور کند که مسؤلانی که سالهاست از وحدت و یکپارچگی سخن می‌گویند واقعاً هم چنین عمل می‌نمایند. تا آشتی ملی بوقوع بپیوندد (صحیح است) ملت ایران اعتقاد ندارد که تمامی مسؤلانی که در این سالها بر آن حکومت کرده‌اند و میکنند چنین بیندیشند و عمل کنند.

همین مسؤلانی بودند که زیر کانه سالها با ابتکاری که در خفا دارند و هرگز آشکار نمی‌کنند کار را بجائی رسانند که جبهه‌گیری در برابر مذهب و جامعه روحانیت

بوجود آمد که بزرگترین خیانت باین مملکت است تصور نمی‌کنیم از یک جامعه شناس ایرانی سؤال کرده و یا مشورتی کرده باشند تا بدانند ما مردمان مسلمان و شیعه هستیم و پای بند با اصول آن - حتی کسانی که بین ۱۰ تا ۲۰ سال عمر خود را بخاطر دانش‌اندوزی در خارج از ایران گذرانده‌اند قرآن مجید - کلام الله را همیشه همراه دارند تا حافظ آنان باشد (صحیح است) جامعه مسلماناً اصیل روحانیت بخوبی نشان داد که با مسالمت و متانت در این راه تمرین دموکراسی ایران گام بر میدارد. و بهترین و بارزترین نمونه آن اعلامیه های رهبر و مرجع عالیقدر شیعیان جهان حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سید کاظم شریعتمداری بود که با وجودیکه از حادثه ناگواری که شخصاً از نزدیک شاهد آن بودند بیشتر از چند ماهی نمی‌گذشت مردم را از هرگونه اقدام خشونت آمیز بر حذر داشتند و رعایت و احترام به قانون را تأکید فرمودند (احسن است). مسلم است مردمی که برای دفاع از قانون اساسی ایران بی‌اختاسته‌اند هرگز راهی را جز راه قانون و عدالت انتخاب نمی‌نمایند.

مسلم است که عده‌ای که هرگز نمی‌خواهند قبول کنند که ایرانی مسائل را درک میکند رشد فکری و سیاسی دارد و بخوبی به قضاوت بیندیشد از این موقعیت سوه استفاده کردند. و هم چنین کسانی که سالیان دراز است آرزو دارند ایران را به آشوب و هرج و مرج بکشانند و از جریانات و حرکات سیاسی اصیل حداکثر بهره‌برداری مخرب و سرنوشت ساز برای ملت ما را بنمایند آنها سعی مینمایند که بتوانند از این جنبش‌ها و نهضت‌های ملی سیاسی ایران چنان بهره‌ای حاصلشان بشود و آن چنان همه چیز و همه را به لجن بکشند که بتوانند در آخر موجی عظیم و وحشتناک بوجود آورند تا تیشه بریشه این مملکت بزنند. اما حساب ملت ایران را باید از آنها جدا نمود و نباید ننگ خرابکاری و هرج و مرج طلبی به ملتی داد که آزادی و آزادگی - شرافت و مردانگی را سرلوحه کار خود قرار داده است تا با بهره‌گیری از آن در اعتلای میهن پرافتخار خود کوشا باشد

بدین سبب است اعتراض من و ترک جلسه علنی مجلس شورای ملی. جناب شریف‌امامی اگر زمان آن فرارسیده بود اگر احساس می‌کردید که نمیشود جریانها را مهار کرد بخاطر سعادت مملکت بخاطر حفظ جان و مال مردم چرانا این حد پیش رفتید و مردم را به کوچ و وخیابان کشانید و شوق آزادی و آزادگی را در آنان بوجود آوردید چراطی مدتی هم ناظر خرابکاران و هرج و مرج طلبان که در اقلیت مطلق‌اند بودید آیا انصاف است که بخاطر عده قلیلی که خودتان در بیابان خود به همین عنوان (عده قلیل) یاد

برابر این ناراضیهای مردم جوابگو باشید. مگر این عنوانها و مقاسما چه ارزشی دارند که صاحبان آن حتی برای یکبار هم حاضر به اعتراف به یک اشتباه و گناه نیستند، کدام جامعه است که در آن اشتباهی رخ ندهد و تمامی مسئولان آن از هرگونه اشتباه تبرا باشند؟ تا این حد از خود راضی بودن جز آنکه بی‌ایمانی و بی‌حرمتی ببار آورد نتیجه‌ای نخواهد داشت ما می‌گوئیم پذیرای هرگونه انتقاد سازنده و مثبت هستیم ولی در حقیقت موقعی که با انتقادهای سازنده هم مواجه می‌شویم بهر وسیله که هست با بازی با الفاظ از آن می‌گذریم.

اینهاست که مردم را به خشم می‌آورد و زجر میدهد و به عصیان می‌کشاند.

مگر بارها عنوان نکردم و نکردند که این دشواریها و تنگناها و گرفتاریها بعلت ضعفهای فردی و اجتماعی است. این مردان مسئول به هیچکس رحم نکردند همچنین کسانی که سالیان دراز قبل از آنها بر ما حکومت کردند.

بارها این مطالب را از پشت این تریبون عنوان کرده‌ام و اینها را امروز نمی‌گویم من این وقت نیستم به معتقدات خود پای بندم و مانند نمایندگان دیگر زجر و شکنجه‌های روحی فراوان دیدم و هرگز مردم از آن باخبر نشدند زیرا مسئولان جز با سانسور و هم مسلکان خود در فضائی بسته نگاری نمی‌کردند و فقط از فضای باز سیاسی سخن میراندند و ما در برابر مردم سرافکنده و شرمسار بودیم اگر برای قوه مقننه احترامی قائل بودند و قوه قانونگذاری حرمتی داشت مردم هم برای قوانین احترام بیشتری قائل بودند.

بهیچ کس رحم نکردند حتی به کسانی که همه چیز خود را از آنها داشتند و توسط آنان به تمام امتیازات نائل آمده بودند - قدرت نمائی خصلت ذاتی آنها شده بود بهیچ کس رحمی نمی‌کردند تیشه به ریشه این مملکت و ملت می‌خواستند بزنند بی‌شمارانه حتی با رژیم دو دوزه بازی کردند و پیدا بود که آرزوی متزلزل شدن آنرا داشتند چندبار از پشت این تریبون فریاد برآوردیم که سکوت در برابر کسانی که راستگو نیستند و مسئولند و حقایق را مکتوم میدارند خیانت محض به این مملکت است چندبار در این سه سال فریاد زدیم این سکوت مرگبار که بر جامعه ایرانی حکم فرمات و باو تحمیل شده است تا تبدیل به فریاد و انفجار نگردد، در فکر چاره‌ای باشید و اول از خود شروع بکنید.

چندبار در این سه سال اخیر متذکر شدم که همه گرفتاریها و نارسائیها و دشواریها را وقتی جوانی ندارید که بدهید

کردید ملت ایران را متهم به خرابکاری نمود و عده‌ای بی‌گناه را به کشتن داد آیا یک نماینده ملت می‌تواند تحمل کند و ناظر کشته شدن پیرو جوان، کودک و مادر باشد؟ خودتان به بازماندگان شهدا تسلیت گفتید و اظهار همدردی کردید آیا منظورتان خرابکاران بودند یا عده‌ای از مردم شریف تهران و شهرهای دیگر که بیگناه به خاک و خون کشیده شدند.

پس جنابعالی هم تصدیق می‌کنید که باید با مردم ایران و شهر تهران همدردی نمود. چه بجا بود با مسئولیتی که دولت در چنین مواقعی دارد بموقع عمل می‌کردید و به ملت آزادی از این نوع آن نمیدادید و بسا تدبیری اتخاذ می‌نمودید که از آزادی عده قلیلی که در صف دشمنان ایرانند نتوانند سوه استفاده کنند و به نفع خود بهره‌برداری نمایند. اکنون در تنها مکانی که می‌توان آزاد سخن گفت (چنین وعده داده‌اید) بعنوان نماینده ملت ناگزیرم از آن استفاده نمایم بخاطر حیثیت و شرف مردم ایران بخاطر دفاع از ملتی مسلمان و باایمان که خون خود را در راه آزادی و آزادگی ایثار نموده‌است ملتی مسلمان با فرهنگی غنی و ملی و با ایمان و استوار و راسخ که متأسفانه همیشه دولت‌مندان ما آنرا درک نکرده‌اند.

مگر تا چندی قبل نبود که نام این ملت را بی تفاوت گذارده بودند مگر من اولین نماینده نبودم که از هر تریبونی که بدست می‌آوردم و در این خانه مقدس نیز فریاد زدم این ننگ را به ملت ایران نسبت ندهید این مردان مسئولند که بی تفاوت‌اند و میخواهند بی تفاوتی خود را بنام ملت ایران تمام کنند این همان مردان مسئول بی تفاوت بودند که ملت ما و میهن ما را با تمام عظمت و شکوه گذشته خود و اهمیت و نقشی که اکنون در جهان دارد در این لحظه تاریخی و هولناک به لبه پرتگاه رسانده‌اند (صحیح است).

کجا هستند این مسئولان از خدا بی‌خبر؟ چه‌ها که کردند تا ما باید شاهد این روزهای اسفناک و ناگواری باشیم.

در صورت مذاکرات مجلس شورای ملی منعکس است در ۶ ماه قبل که هنوز میشد اعتمادی نسبی در بین مردم بدستگاهها بوجود آورد از پشت این تریبون گفتم که:

بعضی از مسئولان زیر کانه دائم در صدد بوجود آوردن ناراضی - بی‌اعتقادی در ملت ایرانند و بیرحمانه و بی‌شمارانه با مردم به بازی پرداخته‌اند آنها از نوع ننگین آن، یعنی دو دوزه بازی می‌کنند. مگر فریاد نزدم که در

وقتی ضعف را در خود و اعمال خود می بینید و نمی توانید پاسخگو باشید بنام دیگران تمام نکند و به آنان نسبت ندهید تا جائیکه بالاخره مهلک ترین وضع را برای ایران و ایرانی اصل و شرافتمند و با ایمان و با خدا و مسلمان بوجود آوردند.

بنام ملت یادآور میشوم برطبق قانون اساسی مسئولیت مشترک همه کسانی که در این دوران حکومت کرده اند، مصدر کار بوده اند را نمی توان نادیده گرفت (صحیح است) بخاطر همین است که ملت ما اعتقاد و ایمان به گفته هیچکس دیگر ندارد در این لحظات حساس و تاریخی ما که به ایران عشق میورزیم و ریشه های خود را در دل این خاک مقدس تنیده ایم و در همین جا زاده شده و آرزو داریم که هم اینجا به خاک سپرده شویم و با اصطلاح دارای گذرنامه دیگری نیستیم و بهیچ جا دستهای بستگی نداشته دستوری نمی گیریم و جیب و راست نمی شناسیم و فقط بخاطر

ایران و ترقی و اعتلای آن البته با اندیشه ای ایرانی برای ایرانی آماده جانفشانی هستیم، مسئولیتی بس سنگین و عظیم داریم که باید بدان واقف بوده و با درک مسائل کاری نکنیم که در برابر نسل فعلی و نسلهای آینده ایران شرمنده باشیم (احسن است) سالیان دراز در این خانه ملت آنچه را که صمیمانه از دلمان برخاست با تفکر و تعمق فراوان بخاطر مصالح عالیه مملکت و با خلوص نیت بزیان آوردیم - با قدرت نمائی بی اعتنائی حتی با توهین و خط و نشان کشیدن کوچکترین توجهی نمودند و هر چه میخواستند کردند و در افکار شوم خود غرق بودند و به غارتگران بیت المال ایران هرگونه کمکی را که امکان داشت نمودند و بهترین رابطه ها و دوستی ها را با آنها داشتند و از آنان تا آخرین لحظه حمایت مطلق کردند تا جائیکه آنان نیز روز بروز جری تر و بی شرم تر شده بنحوی که در غارتگری قباحتی نداشتند و توسن هوس خویش را می تازاندند و هر این راه حتی به مسابقه با یکدیگر هم پرداخته بودند.

مدرکی برجای نمی گذاشتند و بین ما هم همه چیز را به نفع خود حل و فصل میکردند و نتایج اعمال آنان اکنون کاسه صبر ملت را لبریز کرده و وقایعی رخ داد که خود شاهد آن بودید و ملتی را به عزا و سوگواری کشاند ما همه باید عزادار باشیم زیرا بالاخره ایرانی کشته شده است چه سرباز وطن پرست ایرانی چه فرزند دیگری از این آب و خاک. چطور ساکت بنشینیم و به بینیم که مردم شهر ما و مردم مملکت ما که نمایندگان آنان هستیم و باید منعکس کننده افکار و آمال و خواسته های آنها باشیم کشته

میشوند چطور میتوان احساس مسئولیت نکرد؟ کسانی که میتوانستند جلوی این خونریزیها را بگیرند در هر موضعی که قرار دارند چطور اکنون احساس مسئولیت نمیکنند؟!

من از این دید بخاطر هم سیهانم عزادارم و بخاطر آن رأی اعتماد نمیدهم.

در حالیکه هرگونه اغتشاش - هرج و مرج و خرابکاری را محکوم مینمایم معتقدم چنین وقایعی از طرف کسانی است یعنی همان عده ای که سالیان دراز آرزوی تجزیه ایران را کردند - همان عده ای که دم از آزادی و دموکراسی میزنند و اگر خدای ناکرده روزی به حکومت برسند فضائی توأم با اختناق و استبداد مطلق بوجود خواهند آورد، میباید آنها آرزو دارند با بهره گیری از هر حرکت و نهضت سیاسی در این مملکت بتوانند بالاخره عظیم ترین و مهلک ترین موج سیاسی غرق کننده و سرنوشت ساز را که میانی دینی و مذهبی - قومیت - ملیت و موجودیت ما را بر باد دهد بوجود آورند.

از این عده شاید همه جا حضور داشته باشند - برنگهای مختلف، دولت و ملت باید هوشیار باشند خصوصاً بسبب وقایع اخیر باید بدان توجه زیادی نمود. اما نباید دشمنان بظاهر دوست را تا دیده گرفت و آن مسئولان را که درک نکردند و حس مسئولیت در برابر مردم را نداشتند خطرناکتر از دشمنان ما هستند - زیرا همه را نمی شناسیم و باید دولت در شناسائی آنها اقدام لازم بنماید.

چرا باید چنین روزگانی را ملت ایران به بیند. کجا هستند آن متملقین و متظاهرین با قدرت - کجا هستند که امروز جوابگو باشند؟ کجا هستند آنها که خشم ملت را تا این حد برانگیخته تا حدی که ملت بپاخاست و دیگر هیچ باوری ندارد؟

چرا آنچه ملت میخواست با حقیقت - درستی و پاکی - تقوی و اخلاص عمل انجام ندادند؟ چرا دروغ گفتند و حقایق را مکتوم نمودند؟ چرا غارتگران را حمایت کردند؟ حتی آنها را که خودشان رسوا کرده بودند و ساطت کردند و خیلی زود آزاد نمودند و بدینوسیله روز بروز بر بی اعتقادی مردم افزودند.

مردم ما معتقد به قانون اساسی و وفادار به رژیم هستند اما باید پا صراحت گفت که اکثریت آن اکنون ناراضی اند.

نمایندگان محترم هم مینهان - اکنون زمانی فرارسیده است که باید با شهادت اخلاقی و بدون حب و بغض و غرض ورزی با حسن نیت تمام، بی پرده سخن گفت زیرا ما بدین مرز و بوم عشق میورزیم.

دوستها و آشنائیا را باید کنار بگذاریم - در هیچ محظور اخلاقی و عاطفی و انسانی قرار نگیریم - اگر بهترین دوستان ما هم که با آنان اعتقاد داریم در مصدر کارند توجهی نکنیم زیرا ما باید قبل از هر چیز و هر کس ایران را دوست بداریم و بپرستیم و به سوگندی که در پشت این تریبون به کلام الله مجید یاد کرده ایم وفادار و پایدار بمانیم.

دو سال قبل عنوان کردم و اکنون نیز در برنامه دولت متذکر میشوم:

ایران فدائی میخواد و کسانی باید مصدر کارها باشند که بی نیازند یعنی عزت نفس دارند - از خود گذشتگی دارند و نیازی را در اعماق قلب خود احساس نمیکنند که آنها نیاز خدمت بدین مرز و بوم است.

ایران چایپلوس و نوکر و متملق نمی خواهد (صحیح است - احسن است) ایران نیاز به فدائی دارد نو کرمانیان همیشه در انتظار جاه و مال و منالند و در نتیجه دستشان دراز، فدائی همه چیز خود را در اختیار می گذارد حتی جان خود را.

هزاران صدها هزار و میلیونها ایرانی در این مملکت هستند که آماده اند خود را فدا کنند بخاطر آزادی و آزادی و حفظ حقوق فردی و اجتماعی و حرمت و صیانت قانون اساسی.

بیانید در برنامه دولت خود ترتیبی اتخاذ نمائید که فقط کسانی را رویاروی مردم قرار دهید که نمونه ها و الگوهای خوبی باشند با تقوی و پاک و با از خود گذشتگی حاضر به قبول مسئولیت باشند. باید قبول داشت که با اصطلاح ما در ایران آدم باندازه کافی داریم متأسفانه آدم شناس کم داریم.

مردان مسئول این مملکت این زمان حساس را تحمل نکنید و به مردم خشونت نشان ندهید - تهدید نکنید - درک ناراضیهای آنها را بنمائید چرا فقط ملت باید شما وقت بدهد ملت که حق دارد عجلوانه در انتظار اقدامات شما باشد این بار شما به مردم وقت بدهید و در این مدت با متانت و بردباری و با حکومتی عادلانه سعی نمائید که به وعده های خود وفا کنید (صحیح است).

اگر مردم جز آنچه اکنون تصور می نمایند عمل نکنند اطمینان داشته باشید که ملت ایران ملتی حق شناس و سپاسگزار است و خدمتگزاران واقعی را بخوبی تشخیص

میدهد - آنان که حرف و عملشان یکی است و با حقیقت اند حسابش را از دیگران جدا می نماید و به تفاوت صحیح و عادلانه می نشیند درد عظیم جامعه ایرانی فساد موجود است - این فساد دارد مملکت را روبه نیستی می کشاند بازی با الفاظ و وعده دادن کافی نیست نمایش مبارزه با فساد کافی نیست - باید قاطع و پرنده عمل کرد - این سرطان جامعه ایرانی را که تبعیض راهم باید بدان اضافه نمود باید ریشه کن کرد - و واقعاً در عمل مانند یک جراح این سرطان اجتماع را زایل کند - سریع و بموقع معالجه کرد.

وگرنه نه ملت قبول دارد که مبارزه ای در میان است و نه آن کسانی که فاسدند، چنانچه نظایر آنرا در همین روزها هم می بینیم - که تبعیض هست - فاسد هست - آنها که غارتگرند متأسفانه اکثرآ مدرکی بجای نگذاشته ولی همه میدانند و مسئولان فعلی هم آگاهند باید چاره ای اندیشید که بلافاصله رسوا شوند و به ملت معرفی شده و با شدت مجازات گردند.

اگر به انقلاب ایران اعتقاد دارید فقط نباید داد سخن بدهید انقلابی هم رفتار کنید - شما که می دانید همه مردم که میدانند تقریباً چه کسانی در ردیف اول این غارتگری قرار دارند پس دادگاههای انقلابی مبارزه بی امان با فساد ولی واقعی و حقیقی تشکیل بدهید و در اسرع وقت عمل کنید و اطمینان داشته باشید که قوم مقتنه هم هرگونه همکاری را مینماید. بگذارید بدینوسیله با این دادگاه

انقلابی مردمی که تشنه نابود نمودن فساد موجودند سیراب شوند و آرامش یابند تا اعتقاد و اطمینان بدستگاه ها بیآیند. و مملکت را از پرتگاه نجات بدهید - درد اساسی و اولیه مردم بخدا همین فساد است اکثر مردم، تمام گروههای سیاسی اول از فساد سخن میگویند باروش معمولی نمیتوان با آن مبارزه نمود و این دشمنان ملت راه فرار دارند و با فرار آنان از دستگاه عدالت سببی حرمتی هر دولتی میشوند. اگر مدرک بجای نگذاشته و زیر کانه رفتار نموده اند بخاطر آنستکه مقررات اداری ما خود بهترین مشوق آنان است - بندسازی و رشوه و غیره برای ناپاکان بهترین وسیله است که حتی بتوانند خود را پاک هم نشان بدهند - ببینید آنها قبل از اینکه موقعیتی، مقامی و منزلتی در دیوان سالاری ایران داشتند ثروت آنها چه بوده است و اکنون تا چه حد است و سؤال کنید چگونه

به اینهمه ثروت یاد آورده رسیده اند ملت خواستار مجازات شدید کسانی است که به بیت المال تجاوز کرده اند و ناراضی بوجود آورده اند اینها به مملکت و ملت خیانت کرده اند بزرگترین خیانت آنها و نتیجه اعمال آنها و نهی

است که اکنون در مملکت حکمرانست (صحیح است) این چند مورد را که این روزها دستگیر کرده‌اید که در میان آن وزیر بهداری اسبق و معاونان آن هستند مورد تأیید من است و اگر سرعت مجازات بشوند و اگر با همه چنین رفتار کنید چون اعتقاد دارم در تجربه‌ای که در گفت و شنودها با مردم، جوانان و دانشجویان داشته‌ام اولین سؤال آنها که از طرف من بی جواب می ماند و همیشه مرا رنج میدهد فساد و نحوه مبارزه آن بود. اگر در این مبارزه اساسی موفق شوید و یا تاحدی که قابل قبول است موفق شوید من اولین نماینده‌ای خواهم بود که از پشت این تریبون سخن خواهم گفت و بدفاع از دولت بشما خواهم پرداخت و مانند امروز بعنوان مخالف سخن نخواهم گفت و گرنه (اگر آزادی که عنوان کرده‌اید واقعاً برای قوه مقننه در چنین شرایطی که اکنون حکمرانست باقی بماند). اطمینان داشته باشید که از اختیارات قانونی خود استفاده خواهم نمود زیرا ملت صبرش لبریز شده است شما وارث شکستها و عدم حسن مسئولتهای دیگران هستید شما وارث دولتهای پس از افزایش درآمد نفت هستید مبارزه با فساد را جدی تلقی کنید و اجرا نمایند تا از مسؤلیت مشترکی که در برابر قانون همکاران شما در کابینه دارند و داشته‌اند شاید کمی کاسته شود - مین پرستان و مردان پاک‌دلی در کابینه وجود دارند که بآنها معتقد خلوص شاید اگر کمتر سکوت کرده بودند امروز این مسؤلیت سنگین را احساس نمی کردید.

بنام ملت تمام کسانی را که بعلنی در پیشبرد مقاصد شوم بعضی از مسئولان این مملکت همکاری داشته و سهیم بوده‌اند و به مظاهر ملیت و قومیت ایرانی و ملت ایران حقیقت را نگفته‌اند و سبب شده‌اند که چنین روزهای هولناکی را در تاریخ کشور که هتسال خود سپری نمائیم محکوم مینمایم.

بنام ملت خواستاریم که هرچه زودتر دروغگویان و متجاوزین به بیت‌المال ملت معرفی و به شدت مجازات شوند.

و بنام ملت در چنین روزهای حساسی به یاد کسانی هستیم که با خلوص نیت صداقت - شرافت - پاک‌ی - حسن مسئولیت به این مملکت خدمت کرده‌اند و می‌کنند و از آنها سپاسگزاریم.

ملت ایران حق شناس است و بی انصاف نیست و به یکباره تمامی پیشرفتهای سالهای گذشته را بدست فراموشی نمی‌سپارد - مسلم است که انتظار بیشتری داشت و دارد و مردم ایران هر پیشرفتی را در نتیجه زحمات کارگران و

کشاورزان زحمتکش - کارمندان و خدمتگزاران صدیق جامعه در هر گروه و شغلی دیگر میدانند.

جناب آقای شریف‌امامی شما نخست وزیر هستید که پدر بزرگ هستید فرزند دارید نوه دارید شما به آینده ایران مسلماً بیشتر علاقه دارید شما مانند آنان نیستید که اگر این نظر برایشان آینه ایران مطرح بود و فقط به فکر خودشان بودند از شما انتظار داریم که به دردهای جامعه ایران برسید و مهترین آن در درجه اول آگاهی ملت ایران است انسان‌نگاه بهتر درک میکند بهتر می‌اندیشد هوشیار است و هرگز آسیب پذیر نیست. آسیب پذیری ما به عادت عدم آگاهی است چه کسی ما را آگاه کرد. هم اکنون که من وجدانم ناراحت است که نماینده شهر تهرانم. نماینده شهری که در آن کشت و کشتار شده و میشود چه کسی مرا آگاه کرد (دلایلی که در اینجا مطرح کردید که دشمنان ما چه کردند). من آگاهی ندارم من مردم بیگانه را مبینم که کشته شدند و وظیفه من است که آگاه کنم اگر ضرورت دارد جلسه سری در مجلس شورای ملی تشکیل بدهید و نمایندگان ملت را آگاه کنید مادر این سالها هرگز آگاه نبودیم خاطریم هست که بارها در این مورد صحبت کردم ما توقع نداریم که مانند نمایندگان مالک متری تا مشاور و ماشین نویس داشته باشیم و در بعضی کشورها هم تا ۱۲ مشاور دارند ما به تنهایی کار میکنیم شب بیدار میمانیم می نویسیم تعمق و تفکر میکنیم و آنچه که وجدان ما به ما حکم میکند از پشت این تریبون به اطلاع دولت و مردم ایران می‌رسانیم. ما را بیشتر آگاه بکنید که مانمایندگان مردم هرگز اشتباه نکنیم. نماینده‌ای بامن صحبت میکرد و می‌لرزید و ناراحت بود. میگفت می‌ترسم سخن بگویم.

سالهای پیش این را داشتیم امروز صبح در اینجا مسائل زیادی مطرح شده، ما آن زمان نمی‌خواهم بگویم کار فوق‌العاده‌ای کردیم ولی زجر کشیدیم و سخن گفتیم دیگر نمی‌توانیم تحمل کنیم جناب شریف‌امامی شما خودتان شاهدید در آن ۲ سالی که در مجلس سنا در جلسه مشترک نمایندگان مجلس شورا و سنا بودیم چه ما گفتیم و خودتان جلسه را اداره میکردید. در آن موقع خوشحال بودیم با وجودیکه اختناق بما تحمیل شده بود آن روزها ما که ساعت‌ها می‌آمدیم لذت می‌بردیم که لااقل در آنجا می‌توانیم حرف بزنیم لااقل در آنجا فرصتی بود. ما چنین روزهایی را گذرانده‌ایم. در تمام گروه‌های شغلی این

مملکت همه این زجر را داشته‌اند بررسی کنید. در دانشگاه خجالت میکشیدم از روی همکارانم که خیال میکردند از مردم دفاع نمی‌کنم. جناب آقای شریف‌امامی روزی را آیا به خاطر دارید. آن شب معروف را که شهردار بود. همه بودند. نمایندگان دولت بودند و من سخن گفتم و می‌لرزیدم و میگفتم این ننگ است که من نماینده ملت هستم بمن کمک کنید تا این لکه ننگ را هرچه زودتر پاک کنم خاطراتان هست؟ خاطراتان هست؟ دوسال قبل درست در شب عید قربان که باران از آسمان می‌بارید در جنوب غرب تهران خانه‌های مردم را با بولدوزر روی سرشان خراب میکردند در آن شب دیدم مردی که بچه مریضش بغلش بود، پیرزنی را دیدم که پایش را با بولدوزر خرد کرده بودند، اگر خاطراتان باشد به شما گفتم که مردم بمن گفتند دکتر شیروانی آیا ما کسی را نداریم که بیاد ما باشد؟ آیا ماشاء نداردیم؟ و آن روز به شما گفتم که میخواهند زیر کانه عده‌ای بی اعمال خود همه مطالب و حملات را به یکسو ببرند و مملکت را به این روز بیندازند خاطراتان هست؟ چه جوابی به من آروز دادند؟ همانروز خواهش کردم مردم می‌گویند در ترکیه زلزله شده و از ایران بانجا چادر می‌فرستند آقا خانه ما را خراب می‌کنند، ما را باین وضع در آورده‌اند بعد به ترکیه چادر می‌فرستند، اقلاً بما چادر بدهید که زیر باران نمانیم. چرا روز عید قربان را انتخاب کردند؟ همانروز هم متذکر شدم، چرا روز عید قربان را.

میخواستند مردم ایران را قربانی کنند؟ از همین جاها شروع شد جبهه‌گیری در برابر روحانیت و مذهب، آن از خدا بی‌خبران کجا هستند آنهایی که از جامعه شناختی نداشتند، نمی‌دانستند که این مردم مسلمان و شیعه و با ایمانند در ته دل خود مردمانی مؤمن اند با وجودیکه این گرفتاری سالهای گذشته را این تکنوکراتها این کسانی که غرب زده شده بودند این بدبختی را به روز مملکت ما انداختند در اینجا مسؤل یعنی کسی که ملت را آگاه بکنند نمی‌بینم.

دهقان نژاد - آن شخصی که خانه‌ها را خراب کرد الان ستاتور است.

دکتر شیروانی - بله درست است اکنون ستاتور است بله ستاتور است آنها بعد از اینکه من ایتکار را کردم ناراحت شدند تمام مردم ایران (لااقل تهران) میدانند بعنوان دانشگاهی نمی‌خواهم اینطور صحبت کنم و نام کسی را ببرم ولی همانها برای من پروندسازی کردند با

نامی که دارم که در جنوب این شهر ۳۰۰ هزار متر زمین دارم و یکسال تحقیق کردند و دیدند من چیزی ندارم و هرچه دارم همه میدانند چون راه من راه حق است خدا هم همیشه مواظب من است آخر در آخر نام فامیل من یک کلمه دیگری هم دارد که «نژاد» است و آنها این را نمی‌دانستند، شیروانی نژاد هستم.

دهقان نژاد - جناب آقای دکتر شیروانی اگر خاطراتان باشد چون خیلی از آن جلسه استفاده میشد تعطیلش کردند

ادیب مجلسی - شما هم اینجا از ته دل صحت کردید

دکتر شیروانی - بله تعطیل کردند در آنجا نمایندگان تهران هم صحبت کردند هرگز «من» نگفتم همیشه از نمایندگان مردم صحبت کرده‌ام که مسائل را مطرح می‌کنند چه خوب بود دیگران هم وقت می‌گرفتند و از اینجا از ته دل صحبت میکردند. شخص مطرح نیست مملکت مطرح است بهترین دوستان زندگی من در کابینه جناب شریف‌امامی هستند. اینست معنی دموکراسی اینست تعریف دموکراسی من خجالت می‌کشم که رویاروی اینها قرار گرفته‌ام و چنین سخن می‌گویم امروز مملکت مطرح است نه دسته بندیها و باند بازیها که کردند و فقط افرادی که با خودشان بودند و دوستان بودند با آنها کار میکردند و دیدیم وقتی که این حلقه زنجیر آنها از هم پاره شد چه کثافتی بود و چه ننگی برای این ملت و باید انصاف داشت که دیگران باید

وارث آن باشند و گرنه من به بعضیها احترام دارم خیال می‌کنید که برای من آسان است که این مردان اینجا نشسته‌اند و من مخالفت میکنم ولی دوستیها را باید کنار گذاشت ما اول ایران را می‌پرستیم ما اول ملت ایران می‌خواهیم که به اعتلا و ترقی برسد و بعد بفکر دوستیها و آشنائیها هستیم. و کسانی که چنین سخن می‌گویند و راه حق می‌پیمایند اطمینان داشته باشید که دوستانشان نیز کسانی هستند که مسلماً درک می‌کنند و چنین هم می‌اندیشند. مسؤلی که باید مردم را آگاه کند و زیر اطلاعات شماس است که در بین ما بود و با اصطلاح از آس‌های مجلس بود و بهترین سخنران بود و حالا وقت آن است که وظیفه‌اش را انجام دهد و ملت را آگاه کند مطالب فراوان دارم من برنامه شما را جناب شریف‌امامی بدقت مطالعه کردم در مورد تمام وزارتخانه‌ها می‌ترسم و قتم تمام بشود به مطالب مهمتر آن اشاره میکنم در اول برنامه مبینم گفته‌اید که شعارهای ویرانگر باید جای خود را به پیام‌های ملی بدهند این آرزوی همه

مست مسلم است، ولی چه کسانی میخواهند این پیام ها را بدهند، کسانی که دروغ نگفته اند و کسانی که رنگ عوض نکرده اند، کسانی را رویاروی مردم قرار دهید که نشان داده باشند که عاشق این مملکت اند و این مردم را دوست دارند این گرفتاری مردم است که دائم میگویند. در مورد قانون اساسی گفته اید که باعزمی راسخ اجراء کرده و ادامه خواهید داد مسلماً هر وقت ملت متوجه شد که مسئولان قانون را رعایت میکنند اطمینان داشته باشید که آنوقت اعتقاد مردم بشما بیشتر میشود و قبول میکنند که این دولت احترام به قانون میگذارد.

من ناگزیرم سه مطلب را جدا کنم چون دیگر وقت ندارم راجع به آموزش عالی و دانشگاهها و بهداشت و مسئله جوانان میخواستم عرایضی بکنم که امیدوارم بعدها بتوانم بحثهای فراوان بکنم ولی مختصراً باید بگویم که در سال گذشته آموزش عالی مملکت ما مسئول نداشت دانشگاهها را بحال خود رها کرده بودند هیچکس مسئول نبود و فقط یک مسئول تشریفاتی داشت که فقط رؤسای دانشگاهها را معرفی میکرد و در بحرانی ترین سالی که بود دانشگاهها باید رأسأ تصمیم میگرفتند و نمیدانستند چه بکنند و لایحه استقلال دانشگاهها را نیاوردند تا دانشگاهها بدانند چگونه میتوانند مستقل کار بکنند شاید بخاطر این بود که این هرج و مرج دانشگاهها بوجود آمد در سال قبل اینجا گفتم: که این بی انصافی است که نام جوانان و دانشجویان ایرانی را خرابکار بگذارند که دانشجو مترادف با خرابکار باشد واقعاً دانشجویان ما چنین نیستند و تکیه فضا باز نیست و تکیه در خارج احزانی وجود ندارند که بتوانند آنجا صحبت کنند و تکیه دانشجو بعد از این نظام محدود آموزش دبیرستانی وارد دانشگاه میشود دانشگاه را اولین فضای آزاد میدانند و توقع دارد با او بدموکراسی رفتار شود و ما هم که دموکراتهای واقعی خوب نداریم با خشونت نمی توانیم جوانان را ساکت کنیم اینها حق دارند مملکتی که پنجاه درصد افرادش در سن صفر تا ۱۰ سالگی هستند بزرگترین و مهمترین برنامه های دولتها باید برای جوانان این مملکت باشد بیائید نرده های دانشگاهها را بردارید همیشه نیازی است که دانشگاه از جامعه جدا باشد تا همیشه حمله بدانگاه شود - دانشگاه از جامعه جدا نیست اگر گرفتاری ای در جامعه هست مسلماً در دانشگاه هم منعکس می شود وقتی فضا باز بود وقتی توانستند جوانان سخن بگویند آیا اینقدر درک ندارند و آنطور نمی اندیشند

که بیایند درس بخوانند؟ و سیاست بازی را از دانشگاه بیرون بیاورید بگذارید جوان آزاد سخن بگوید و در دانشگاه درس بخواند در ممالک مترقی دیگر هم اینطور است آنقدر احترام به محیط دانشگاه دانشجو میگذارد که اگر بخواهد اعلامیه ای بدستش بدهد دست او را میگیرد از در دانشگاه بیرون می آورد آنوقت اعلامیه را باو میدهد اینقدر حرمت برای دانشگاه و مدرسه قائل هستند ولی ما حرمتی برای دانشجو و معلم و استاد در این مملکت باقی نگذاشتیم چقدر از حرمت استاد و معلم گفتیم بخدا استاد و معلم فقط پول نمی خواهد دیگر احترامی برای معلم توی این مملکت باقی نگذاشتیم. چقدر از حرمت معلم و استاد سخن گفته شد معلم و استاد فقط پول نمیخواهند اگر به آنها حرمتی که شایسته شان آنها است بدهید در خیابان با گیوه پاره و لباس ژنده هم ظاهر میشود ولی کارش را اینچو شایسته انجام می دهد چرا جامعه را بجائی رساندید که کسی شخصیت داشت که ساختمان بلند و ماشینی دراز تر بود؟ چرا کار را بجائی رساندید که استاد بیبند شاگردش با رشوه و کمسیون و هزار زدو بند و کثافت و خیانت به این مملکت از لحاظ مادی جلو است و جامعه فقط با آنها احترام میگذارد همین مردم وقتی می رفتند خانه کسانی که رشوه خوار و غارتگر هستند تعریف هم می کردند که عجب کج ببری قشنگی است! چرا اینها را از جامعه طرد نکردند؟ چرا به این اشخاص احترام گذاشتند؟ چرا حرمت استاد و معلم و دانشگاه را نگاه نداشتید؟ بخدا اگر کرده بودید و احترام گذاشته بودید الان ساکت تر بودند. چرا باید برای استادان تبعیض قائل شد؟ چرا دانشگاهیان نباید از نظر حقوقی در یک سطح باشند؟ سالها گفته ایم. آخر چرا فنودالیزم آموزش عالی، فنودالیزم بهداشت و درمان و فنودالیزم صنعتی بوجود آوردید؟ چرا پیکان باید اینقدر گران باشد؟ مقایسه کنید با اتوموبیلهای خارجی مردم اینها را از من می پرسند و باید من در اینجا مطرح کنم چون نماینده آنها هستم. سهام این کارخانه را چه کسی دارد؟ آهن در انحصار کیست خیلی چیزها انحصاری شده است اینهاست که ما را زجر میدهد من که باینها کاری ندارم، پزشک هستم و زندگی خود را در نهایت آزادی میگذرانم ولی مردم اینها را می پرسند و من وظیفه دارم در اینجا عنوان بکنم.

در سال ۱۳۴۸ عده ای استاد را از دانشگاه تهران بازنشسته کردند فقط با یک امضاء جناب مهندس شریف امامی وزیر می تواند کسی باشد که سواد نداشته باشد طبق قانون اساسی و کیل باید سواد خواندن و نوشتن داشته

باشد ولی هر کس نمی تواند استاد دانشگاه بشود حتی اگر نخست وزیر هم باشد باید سواد و تحصیلات عالی داشته باشد. برای اینکه بکنفر استادیار شود ۱۰۰ امضاء لازم است. بیچاره شده تا به آنجا رسیده است. چطور با یک امضاء عده ای را از دانشگاه بیرون می کنید؟ این استادان بیچاره میشوند تا به اینجا میرسند چرا عده ای را بیرون کردند؟ بفرمائید در این مورد تحقیق کنند، اینها همه ناراحت اند. اگر در این مورد قانونی است اعلام کنید اگر اینکار غیرقانونی است آن را هم اعلام فرمائید تا یک دانشگاهی نگوید من که ۹ و ۴ ساله ام و با کمتر بازنشسته شده ام من کاری ندارم که بکنفر چگونه فکرمی کند. خودم در خدمت دانشجویان و دانشگاهیان بودم؛ سال گذشته که بمن حمله شد گفتم دانشگاه محل آموزش است مقررات آموزشی را سخت گرفتیم و گفتم سیاست بما مربوط نیست اما سیاست با ما کار داشت ما هم سعی کردیم آبرومندانه در برویم که این مطالب را نشنوبیم. این بوروکراسی که مشکل بزرگ و درد دانشگاهها است شما را بخدا آن را حل کنید. جناب دکتر نهایندی من نمی خواهم از آموزش عالی صحبت کنم چون شما خودتان بهتر می دانید. شما را به خدا استقلال دانشگاهها را حفظ کنید. این بروکراسی را از بین ببرید. رئیس دانشگاه حاکم مطلق دانشگاه نیست رئیس مطلق، ذیحسابی دانشگاه است استادان ازین موضوع رنج می برند. که برای ۱۰ ریال خرج، ۱۰ نامه و کاغذ لازم است نوشته شود و امضاء گردد. استادان آخر چطور تحقیق بکنند؟ استادان از این چیزها زجر میبرند همینطور است در آموزش قبل از دانشگاهی در مورد دانشگاهیان و مسائل دانشگاهی من خیلی مطلب دارم ولی میترسم جناب رئیس زنگ بزنند که وقت من تمام است. میخواهم راجع به بهداشت و درمان مردم هم چند کلمه ای صحبت کنم. و چون پزشک هستم در این مورد وظیفه دارم و همیشه هم در پشت این تریبون گفته ام نمی خواهم اسم ببرم ولی وظیفه دارم اسم ببرم چون پزشک عالیقدری بود و شاگردش اکنون وزیر بهداشتی است اکثراً باو احترام میگذارند و من هم به استادی عالیقدر و بزرگواری والا قبولش داشتم با وجودیکه در ایران تحصیل نکرده ام و شاگردش نبودم خدا بیامرز دکتر منوچهر اقبال را، این وزیر بهداشتی سابق سبب شد که اودق کرد و مردم دو سال قبل ساعت دو بعد از نیمه شب بود در کمیسیون بودجه تا ساعت

صبح صحبت کردم من این وقت نیستم این را آنها که برایشانپند میدانند که گفته ام در آنجا، من مطالبی را گفتم و مشکلاتی را بر شمردم چون وزیر جوانی نداشت عصیان شد، بمن پرید و گفت من وزیر شما و پزشکان و مردم نیستم بلکه من مبعوث شاهنشاه هستم بعد شما شنیده اید که در آنجا بودید گفتم آقای وزیر شما درک نکردی من دارم وظیفه ام را انجام میدهم و شما از جانی که فرمان گرفته ای داری بان خیانت میکنی، نکن ولی همه گفتند صحبت نکن چون اگر وکیل حمله بکنند یا ورو سال وزیر باقی میماند، صحبت نکن شاید برود و واقعاً ۶ ماه صبر کردم و سخن نگفتم و امروز خوشحال شدم که حرفهای من صحیح بود و رفت و البته اوتنها نبود وزیر بهداشتی سابق و سابق و ماقبل آنها را هم فکرش را بکنید چرا اینطور سطحی عمل میکنید آنها هم همینطور بودند آنها کردند تا باینجا کشید (صحیح است).

طرح همین شبکه درمانی را به وزیر اسبق یا ماقبلش مگر داده نشد از طرف عده ای که نشستند و سالها زحمت کشیدند و طرح آنرا دادند و قبول شد و به دولت هم ابلاغ گردید تا اجراء کند مگر آن وزیر پرت نکرد و گفت اینها مزخرف است و این حرفها چیه، دیگری آمد کاذب و شبه شبکه درمانی در این مملکت درست کرد که فقط جیب عده ای را پر بکند.

اگر یک پزشک یک میلیون تومان نداشته باشد در هیچ بیمارستانی همی نمیتواند داشته باشد، وقتی تواند کسی را معالجه بکند بنده اگر یک دوست نداشتم که ثروتمند است با شرف است و طیب هم هست و به من و چند دوستان که پولی نداریم اجازه داده در بیمارستانش کار بکنیم باید چه میکردیم؟ آقای نخست وزیر شما در قایل پزشکان زیادی دارید خودتان این در در ابتر میدانید و من میخواهم ملت هم با خبر بشوند، بنده باید چه میکردم و امثال من و آن پزشکان باید یک میلیون تومان بگذاریم و سهم بخرم نماینده هم باشم ببرد مردم هم برسم از دانشگاه هم که یکشاهی حقوق و مزایا و پاداش بهر نحو و شکلی نگرفتیم و بمن امروز دیدید که حمله هم کردند از یک مطب باید زندگی بکنم من و امثال من چطور؟ ماقط بفکر خودمان نیستیم میخواهم بمردم بهتر خدمت بکنیم چطور؟ شما را بخدا جناب دکتر مژده می میداند.

خودتان فکری بکنید، شما موفق بشوید آرزوی ماست همینطور، آموزش عالی، همینطور آموزش و پرورش که

درباره اش زیاد نمی گویم برای اینکه جناب دکتر گنجی سالهاست که همه چیز را گفته ام و با خرید اینجا هم نمی خواهم عوام فریبی بکنم مردم دردها را میدانند و منم دردهای آموزش و پرورش را بارها گفته ام و دکتر گنجی اینجا حاضر است و میدانند به بینید سؤالی است که از وزیر بهداری سابق کردم و دوسال پیش آقا جواب ندادند، مطالب را بخوانید تمام چیزهایی است که الان شما هم می گوئید و امیدوارم که اجراء بکنید ولی یک مطلب در تمام برنامه هایتان نیست منکه با عرض نیست که رأی اعتماد نیدهم من مطالعه کردم بخاطر جریاناتی که اخیراً آمده و بخاطر اینکه اعتقاد دارم این فرمی نمیشود این عصیان را آرام و ساکت کرد نمونه اش اینکه در تمام این برنامه دولت در مورد سیاست جامع جمعیتی صحبت نشده است تمام گرفتاریها آقای دکتر گنجی بخاطر اینست که یک سیاست جامع جمعیتی در این مملکت پیش بینی نشده از نظر مهاجرت و تمام بیست رکن این سیاست که گفتم بیاورند آنرا که در دوسال پیش صحبت کرده بودم و همراه نیست که متأسفانه صورت مذاکرات آنروز را تا بحال از قسمت مربوطه در مجلس بمن ندادند که بتوانم تمام بیست رکن سیاست جمعیتی را برایتان بگویم چون اکنون در ذهنم نیست مثلاً در مورد سواد و آموزش است در مورد تغذیه - در مورد مسکن است و بالاخره تمام بیست رکن انسانی است. این برنامه در یکجا مثل سازمان برنامه و یا نخست وزیری و سازمان مستقلی باید متمرکز بشود و هم آهنگی در امور و بررسی مسائل مملکتی بوجود آورد تا کارها هم آهنگ بشود و هر کسی کار خودش را فقط انجام ندهد، وقتی هم آهنگی بود در نتیجه وزیر آموزش و پرورش گرفتاری ندارد. در نتیجه سیصد هزار نفر پشت در دانشگاهها نمی ایستند و از هر یک نفری که در دانشگاه است ۹ نفر در خارج از آن عاطل و باطل نمی مانند. بخاطر همین است

رئیس - آقای دکتر شیروانی وقت شما تمام شده است.

دکتر شیروانی - اگر اجازه بدهید چند دقیقه فقط در مورد دانشگاهها میخواهم صحبت بکنم اجازه می فرمائید جناب رئیس؟

رئیس - بفرمائید.

دکتر شیروانی - خیلی مطلب داشتم جناب دکتر مژده‌ی دوست خوب من هستند تمام مطالب پزشکان را مانند اهانتهایی که به پزشکان شده بپیدانند شما را بخدا حرمت پزشکان را در این مملکت دوباره بان حالت الهی و باستانی آن برگردانید. مسلم است که پزشکان

هم باید خودشان کمک بکنند. کاری نکنید که پزشک ایرانی بعنوان درمان فروش معرفی بشود، پزشک درمانگراست و پزشک ایرانی هم با شرف هست و درمانگر.

در مورد دانشگاهها در تمام دنیا ۹۰ درصد حداکثر ۹ درصد از کسانی که دیپلم میگیرند باید وارد دانشگاه بشوند مگر ما که نمیخواهیم فقط الیسانیه داشته باشیم مدارس حرفه‌ای وقتی درست شدند که سالهاست میگوئیم آموزش و پرورش وظیفه دارد وزارت کار وظیفه دارد که جنب صنایع ایجاد بشوند آنوقت دانشگاهها و جامعه این گرفتاریها را نخواهند داشت.

به دانشجویان با ندهید خودشان نمیخواهند. حق السکوت نمیخواهند، آزادی میخواهند باج نمیخواهند پول نفت نمیخواهند این جوانان و دانشجویان، اینها میگویند آقا ما محیطی بدهید آزاد که واقعا بشود تحصیل و تحقیق کرد. چطور میشود با این وضع تحقیق کرد؟ استاد چطور تحقیق بکند؟ که آنقدر گرفتار است و از طرفی هم او را گرفتار کارهای سیاسی هم کرده اند در این سالهای اخیر، استاد اعتقاد ندارد سرکلاس میروند نمیتواند جواب بدهد ده دفعه باید مزمزه بکند تا سخن بگوید، میترسد شمارا بخدا جناب شریف امامی این ترس را در بین مردم از بین ببرید مردم میترسند از دولتمندان، مردم میترسند هنوز هم حرف نمیزنند، صحبت را تمام میکنم من از طرف مردم ایرانی صحبت کردم که هنوز ساکت اند هنوز مزمزه میکنند. اگر میخواهند مطلبی را بگویند خاموش اند، ظاهر نمیشوند اما عاشق ایران اند من در درجه اول از طرف آنها صحبت کردم و از خدای بزرگ میخواهم که بما کمک کند به مملکت ما کمک بکند که به لب پرنگاه نرویم، نجات یابیم و سالیان دراز با آزادی و آزادیگی نمایندگان ملت بتوانند سازنده - مثبت در راه ترقی و تعالی این مملکت سخن بگویند متشکرم. (احسنت).

رئیس - آقای عبداللطیف شیخ الاسلامی بفرمائید.

عبداللطیف شیخ الاسلامی - با اجازه مقام محترم ریاست و همکاران ارجمند قبلاً از جناب مهندس شهبانی نماینده اینده بختیاری که نوبت خودشان را بمن مرحمت فرمودند تشکر مهمکم انگیزه صحبت من در برنامه دولت جناب شریف امامی بیشتر از آنجا سرچشمه میگیرد که برای کشاورزان مملکت اولویت خاصی قائل شده و من هم چون کشاورز هستم فکر کردم تذکراتی روی واقعیت بدهم که عملاً با آن مواجه می باشم شاید اثری بگذارد.

هر چند در برنامه دولت های گذشته هم کشاورزی از اولویت

بعرض برسانم:

بند کشاورزی و روستا نشین بوده ام ولی تا کنون یک مهندس را از طرف اداره کشاورزی در روستای محل سکونتم ندیده ام که برای راهنمایی و یا ارشاد و یا تماس با کشاورزان به روستا آمده باشد - مزرعه برنج کاری دره داشتیم آفت باو زد بلافاصله با چند نفر از زارعین به اداره کشاورزی مریوان مراجعه نمودیم و نمونه آفت زده را بردیم بعد از دو ماه که محصول از بین رفته بود بما اطلاع دادند که نمونه آنرا بیاورید تا به استان برای تشخیص نوع آفت بفرستیم.

۳- بذر بموقع در اختیار کشاورز گذاشتن - جناب نخست وزیر شخصاً برای بذر گندم پائیزه به اداره کشاورزی مریوان مراجعه نمودم اسفندماه بمن اطلاع دادند که بروم بذر پائیزه را بگیرم بذر سبزی کاری که در برنامه دولت بان اشاره شده در کرمانشاه، همدان و کرج هم گیر نمی آید.

۴- باتوجه به دستمزدها گر ماشین آلات کشاورزی ضروری است باتوجه به اینکه دولت مبارزه با گرانفروشی را شروع نموده چرا هرسال قیمت تراکتور و دیگر ماشین آلات کشاورزی بطور سرسام آوری بالا می رود اگر دولت می خواهد که ایران از نظر محصولات کشاورزی خود کفا باشد نباید ماشین آلات کشاورزی مانند ماشین های سواری و تشریفاتی روز بروز گران تر شود در حالیکه خود دولت وارد کننده و سازنده آن باشد (صحیح است) از آن مهتم فروش لوازم یدکی در اختیار مردم نیست در شهرستان مریوان یک پیچ و مهره تراکتور که بیش از ۲ تومان ارزش ندارد برای کسیکه دنبالش میرود بالغ بر صد توبان بخاطر هزینه ایاب و ذهاب و بیکاری تمام میشود به تضمین و تثبیت بهاء محصولات کشاورزی اشاره شده است قبلاً از اضافه نمودن بهاء گندم برای سال جاری از ۱۲ به ۱۴ ریال و در سال آینده ۱۰ ریال سپاسگزاریم ولی باور بفرمائید هنوز با گرانی هزینه انجام آن متعادل نیست اگر در ماشین آلات کشاورزی و تقلیل بهاء آن و در اختیار گذاشتن وسایل یدکی توجهی بشود باز خوب است ولی باز هم سپاسگزاریم چون خیلی میگفتیم و نمی شنیدند. جناب نخست وزیر قبول بفرمائید که هرسال محصول کشاورزی بطف خدا و تغییرات جوی آسمان و وفور باران فراوان بقدری ارزان است که برای کشاورز ضرر میکند.

سال بعد آنها کشت نمیکنند در نتیجه محصول کمیاب میشود و قیمت آن سرسام آور بالا میرود همان

برخوردار بوده ولی آن اولویتها برای کشاورزی مملکت و کشاورزان واقعی نبود کشاورز واقعی کسی است که در روستا زندگی می کند کشاورز واقعی کسی است که برای دریافت وام کوچکی هم ضامن شهری نداشته و مجبور به دریافت وام زنجیری است کشاورز واقعی کسی است که از پرتو انقلاب ایران دارای زمین و خانه سکونی و آب شده نه کسانی که از بانک توسعه کشاورزی میلیونها تومان وام کم بهره حتی کمکهای بلاعوض دریافت نموده که نه از کشاورزی خبر دارند و نه یک ریال آنرا صرف کار کشاورزی در مملکت کرده اند (صحیح است) به کشاورزان واقعی این مملکت که زمین و آب اعطا گردیده باید امکانات بهره وری از آنها داده شود یکی از علت های مهاجرت روستائیان شهرها کم توجهی بانها بوده است (صحیح است).

در بدو انقلاب روستائیان صاحب زمین و آب و خانه سکونی دارای شخصیت انسانی شدند طبیعتاً هراسانی با حتی جاننداری که از بند رها شد تلاش برای بهتر زیستن را آغاز می کند از طرفی رسانه های گروهی هم با تبلیغات و وعده های بیجا آنها را بیشتر به بهتر زیستن امیدوار کردند دولت وعده داد که امکانات رفاهی کامل را در اختیار روستائیان قرار دهد که متأسفانه نتوانست و مهاجرت شهرها شروع شد دولت متوجه شد که نمی تواند امکانات رفاهی به روستاها ببرد سیاست شهرک سازی را زیر عنوان مراکز عمران روستائی دنبال کرد و باز هم متأسفانه موفقیت بدست نیامد نتیجتاً ۷۰ درصد کشاورز روستائین به ۰ درصد تقلیل یافت همان ۰ درصد هم از تولید کننده خارج و به صف مصرف کننده پیوستند بطوریکه حالا در روستاها مرغ و تخم مرغ ماشینی را می توان باسانی خرید البته ممکن است مهاجرت روستائیان شهرها تأثیری در گرانی اجاره خانه و کم یابی مسکن داشته باشد ولی بعقیده بنده چنین نیست زیرا اینها طبقه ای نیستند که بتوانند اجاره خانه بدهند تذکراتی که بنده در مورد کشاورزی در برنامه دولت دارم شرح زیر است:

۱- دادن وام بیشتر با بهره کمتر و نظارت و راهنمایی کامل تر باتوجه به بالا رفتن هزینه زندگی و دستمزد نازگر.

۲- راهنمایی های لازم به کشاورزان وسیله مهندسی و متخصصین کشاورزی باین طریق که به بخشها و روستاها اعزام و با کشاورزان تماس بگیرند نه اینکه پشت میز بنشینند اگر کشاورزی مراجعه نمود جوابش را بدهند هر چند جواب هم نمی دهند یک نمونه کوچک

کشاورز ضرر دیده با قیمت گران آنرا خریداری و بذر میپاشد، سال آینده بازهمان وضع سال قبل مبتلا و متضرر میشود.

بانک تعاونی کشاورزی که با کشاورزان واقعی سروکار دارد کارش بسیار خوب و رضایت بخش است ولی مقررات دست و پاگیری دارند که نمیتوانند آنطور که شایسته است به کشاورزان برسند.

جناب نخست وزیر وقتی تشخیص داده شد که کشاورز وامی را دریافت نموده و بمصرف واقعی کشاورزی میرساند چرا باید ضامن شهری از او گرفته شود و چرا باید برای تکمیل کار مورد نظرش باندازه کافی پول در اختیارش نگذارند و نیمه تمام بماند و مهندسین بانک نظارت کامل در اجزای آن ننمایند و بعموم اینکه پولی برای تضمین بضامن شهری بدهد زمین های زیر کشت او را بعنوان وثیقه باز او قبول نکنند؟ یکسال است که قانونی در مجلس تصویب شده که بهر کشاورز تا مبلغ ۵۰۰۰۰۰ هزار ریال بدون وثیقه و سند ماشین وام داده شود هنوز خبری نیست استدعا دارم که مقررات دست و پاگیر را از میان بردارید اینقدر که در بانک برای وصول پول اقدام میشود اگر برای صحیح خرج کردن آن اقدام شود خود بخود پول برگشت داده خواهد شد (صحیح است).

بانک توسعه کشاورزی ایران متعلق به کشاورزان واقعی نبوده و نیست فقط سرمایه داران میتوانند از آن استفاده نمایند زیرا شرایط که برای دریافت آن در نظر گرفته شده باید اول سرمایه دار شد بعد وام گرفت.

موضوع قابل توجهی که می خواهم متذکر شوم اینست که ما همه می دانیم دولت نه کشاورز خوبی است و نه تاجر خوبی، برای اثبات شده که دولت در تمام برنامه های شرکت سهامی زراعی و کشت و صنعت ضرر کرده و حالا هم ضرر می کند شاهنشاه فرمودند کشاورزان را بگذارید که به کشاورزی سنتی خود ادامه داده و بآنها کمک فنی و مالی بنمایید - متأسفانه در هر جا یک پروژه عمرانی کشاورزی پیاده می شود همراه آن تبلیغاتی می شود که زمین های شما را دولت می برد و شرکت سهامی زراعی تأسیس می شود که مردم را از کار کشاورزی دلسرد می نمایند و اغلب باعث خرید و فروش زمین در روستاها می شود.

در وزارت کشاورزی و عمران روستائی - اداراتی بام ترویج آبادانی - عمران و نوسازی روستاها و عمران مراتع داریم.

از جناب وزیر محترم کشاورزی استدعا می نمایم بررسی کامل در این موضوع بفرمائید که اولاً عمران و نوسازی روستاها در سطح روستاها چه کارهائی و با چه هزینه و در چند مدت انجام داده سالها است که لوله کشی آب آشامیدنی روستاها و راههای روستائی به اداره تعاون و امور روستاها واگذار شده چه کارهائی و با چه شرایطی انجام شده است اگر نظر بر این باشد که در این مورد اقدامی بشود بنده اطلاعاتی را در مورد استان کردستان دارم که بموقع بعرض خواهم رسانید - مدارکی دارم که تقدیم خواهم نمود در مورد عمران مراتع که می بایست علاوه داسداران را تهیه و در اختیار آنها بگذارند تحقیقات کافی در این مورد هم بفرمائید آیا علاوه در اختیار داسداران واقعی قرار گرفته و آیا می توانند لیست واقعی و صحیح آنها را در اختیار بگذارند و یا مانند اسامی وام گیرندگان از بانک توسعه در لیست محرمانه است؟

جناب نخست وزیر - ۶ سال است یک ساختمان برای جوجه سازی در ریوان احداث شده حالا که به پایان نزدیک است برای سیم کشی برق آن یکصد و چند هزار تومان هزینه لوازم بوده، اداره کشاورزی کردستان بجز یک هزار ریال یعنی یکصد تومان همه را پرداخت نموده و فقط بخاطر یک هزار ریال یکسال بهر برداری از آن بتأخیر افتاده است آیا اگر صد و چند هزار تومان حواله گردیده نمی شد همه اش حواله شود و یا نمیشد وزارت نیرو برای کسر هزار ریال معامله یکصد و چند هزار تومانی را که برای تولیدات مملکتی است یکسال بتأخیر نیندازد وزارت راه و ترابری

در مورد راههای روستائی برای اولین بار مبلغ نسبتاً قابل توجهی در سال جاری اختصاص داده شد - چون سال اول بود که از تعاون و امور روستاها گرفته شده و به وزارت راه و ترابری داده شده بطور قابل توجه و شایسته ای انجام نشده ولی نظر جناب وزیر راه و ترابری را باین نکته جلب مینمایم که شاه رگ حیات روستاها راه روستائی است که باید با توجه خاصی بشود و از مقررات و تشریفات دست و پاگیریکه باعث اتلاف وقت میشود جلوگیری بعمل آورد (صحیح است) باتوجه به وضع جغرافیائی بعضی از شهرستانها ترتیبی داده شود که برنامه ریزی راههای روستا و تصمیم گیری در محل و با نظر انجمن شهرستان صورت بگیرد.

وزارت نیرو

باتوجه باینکه مردم روستاها علاقه خاصی به برق

ولی بنظر بنده باید اولویت را به شهرستانهای کوچک کشور داد.

در مورد وزارت مسکن و شهرسازی

به وظیفه حق شناسی باید از اقدامات جناب دکتر آموزگار در مورد جلوگیری از افزایش نامتناسب بهای زمین که بطور غیر قابل انکاری قیمت زمین و اجاره خانه را پائین آورد قدردانی نمایم ولی نباید فراموش کرد در عین حالیکه دولت با تمام قوا با احتکار زمین مبارزه می کند شهرداری پایتخت زمین های عباس آباد را احتکار نموده است که بایک صرفه جوئی، مثلاً اختصاص چند قمره مانند بان پانصد میلیون تومان سالن تشریفاتی وزارت فرهنگ و هنر میتوان خانه مسکونی کارمندان چند وزارت خانه را تأمین نمود (صحیح است).

سازمان اوقاف که تنها سازمانی است که بامتنعین سروکار دارد، زیرا ارباب رجوع های اوعبارتند از زائران خانه خدا - عتبات عالیات و مروجین مذهبی از آن بگذریم که زمین های اوقاف سرو صداهای زیادی راه انداخت در مورد زائران خانه خدا که در سالهای گذشته عده ای از مدیران کل حج و مدیران گروه بانها هم سوء استفاده تحت تعقیب قانونی قرار گرفتند - چه مانعی دارد که هر کس قصد زیارت خانه خدا را دارد با اجازه داده شود و آنها را برای تعیین گروه و مدیر گروه مجبور نکنند، علت ازدیاد متقاضیان جلوگیری هائی است که در چند سال گذشته از مردم شده در تمام کشورهای اسلامی متقاضیان حج آزادانه به زیارت میروند و هزینه آنها یک پنجم زائران ایرانی نمیشود (صحیح است).

در مورد مروجین مذهبی نمونه ای که در کردستان هست عرض میشود از چهار سال پیش هر ساله عده زیادی از روحانیون را برای دیدن دوره به رضائیه و سنج میریند و قبولی آنها را در امتحان اعلام و به آنها وعده استخدام و حقوق میدهند متأسفانه با وجود نامه های متعدد از شهرستانها و تذکرات و یادآوری های بی دریی ما در مجلس توجهی نشده است اگر واقعاً اعتباری برای اینکار نیست چرا آنها را به دوره میفرستید چرا وعده میدید اینست ناراضی درست کردن در کشور - در این مورد مطالب دیگری هم هست که اگر نظر و توجه بان بشود شخصاً جناب وزیر مشاور و سرپرست سازمان اوقاف را در جریان خواهم گذاشت.

جناب نخست وزیر واقعیتی که صراحتاً بعرض میرسانم اینست که در دستگاه های دولتی ما برنامه ریزی صحیح وجود ندارد اگر روزی استعفا نمود تمام تشکیلات و برنامه

پیدا کرده و حتی از اعتباریکه در اختیار نمایندگان مجلس قرار داده شده مردم روستاها آنطوریکه برای برق خودیاری میدهند و علاقه دارند برای دیگر پروژه ها ندارند مع الوصف وزارت نیرو در مورد برق روستاها هیچ اقدامی ننموده و معلوم نیست اعتبار برق روستائی در کجا خرج شده و بجه مصرفی رسیده است.

نکته قابل توجه در این مورد اینست که گویا در برنامه برق روستاها که هنوز روی کاغذ است مقرر شده که برق روستاها باید هزینه آنرا ۵۰ درصد روستائیان هر خانوار ۲۰۰۰۰ ریال تأمین نمایند در صورتیکه امتیاز برق در شهرستانها ۷۰۰۰۰ ریال است معلوم نیست چه محاسبه شده که روستائیان درآمد شان سه برابر شهر نشین هاست که باید حق امتیاز را سه برابر بپردازند. آستانه ای - قبلاً بیشتر بود حالا تخفیف داده اند.

شیخ الاسلامی - استدعا میکنم که در این مورد هم توجه مخصوص بروستائیان بشود و اگر امکان هست در وزارت نیرو راههای ای بنام برق روستاها تشکیل فقط کارشان رسیدگی و انجام پروژه های روستائی باشد چون با پروژه عظیم وزارت نیرو مشکل میتوان بر روستاها رسید وزارت بهداری و بهزیستی

سیاست درمانی کشور بطوریکه همه آقایان استحضار دارند بطور کلی فلج است نه بروستا رسیده اند و نه شهر نشین ها راضی، بیمه شدگان می نالند و کسانی که بیمه نشده اند حالشان معلوم است امیدوارم بهداشت و درمان بروستاها نیز بطور کامل برده و به درمانگاه هائیکه در روستاها ساخته شده دکتر دارو فرستاده شود - باشناختیکه از جناب دکتر مؤدهی وزیر محترم بهداری و بهزیستی دارم مطمئن هستم که با خواست خداوندی و مشکلات درمانی کشور مخصوصاً روستاها را حل خواهد نمود.

وزارت پست و تلگراف

در مورد وزارت پست و تلگراف بعرض میرسانم که هر چند برنامه این وزارتخانه بسیار وسیع است ولی نسبت به شهرستانهای کوچک توجهی نشده اضافه وعده هم داده شده است چند سال پیش از شهرستانها پول گرفته شده که در ظرف یکسال تلفن خود کار تأسیس شود علاوه از اینکه تلفن خود کار نشده و خبری از اقدامات اولیه آن هم نیست به بهانه اینکه تلفن خود کار نصب خواهد شد تلفن های مغناطیسی را هم توسعه نمی دهند در تمام شهرستانهای استان کردستان فقط مرکز استان دارای تلفن خود کار است شاید جناب وزیر پست و تلگراف برنامه وسیعی را برای توسعه شبکه های ارتباطی بین المللی داشته باشند

های یک یا چند ساله او دگرگون و مجدد برنامه ریزی میشود (صحیح است) ترتیبی امر با اتخاذ فرمائید که برنامه ریزی در سطح بالای مملکت طوری شود که هر کس در رأس آن قرار گرفت همان برنامه دنبال شود (احسنست).

اگر دولت جنابعالی موفق شود ۱۹ ماده انقلاب را آنطوری که مبتکر آن مورد نظرش بوده پیاده شود ناراضی در مملکت وجود نخواهد داشت زیرا نقطه ابهامی در انجام مصالح مملکتی نگذاشته است برای نمونه انقلاب اداری اگر پیاده و اجرا شود کم کاری - کند کاری - بی تفاوتی و احیاناً سوء استفاده بکلی از بین خواهد رفت بعقیده بنده ریشه فساد از اینجا شروع میشود به انجمن های شهر، شهرستان، استان اختیارات وسیع تر و تخفیف بیشتری داده شود بطوریکه خود اعضاء انجمن در مقابل انتقاد مردم از دولت و دستگاههای محلی جوابگو باشند اینک خود آنها نیز جزو ناراضیان و انتقاد کنندگان باشند.

خیلی متأسفم که این مطلب را باید در مجلس عنوان کنم، چند نفر از همکاران محترم از پشت این تریبون بعنوان مخالف نسبت های ناروایی به گروه اکثریت دادند مثل اینکه دلشان میخواسته اکثریت نمایندگان مجلس شورای ملی تابع نظر آنها باشد، آیا استبداد از این بدتر هم وجود دارد؟ مگر در قانون دموکراسی نظر اکثریت صائب تر و محترم تر از اقلیت نیست؟ مگر اقلیت نباید از اکثریت تبعیت کند؟ پس چرا از پشت این تریبون به نمایندگان ملت توهین می کنید؟ یک پروژه ای که یک نماینده مجلس با همکاری و خودیاری مردم در یک روستا با ۲۰۰ هزار تومان انجام داده وزارت تعاون و امور روستاها در مدت طولانی با دویست میلیون و ۲۰۰ هزار تومان انجام داده آیا این خدمت به روستاها نیست؟ من خدا را گواه میگیرم هیچ جا از این پول برای کار شخصی استفاده نشده است. این نظام و این مظهر ملیت خود را نگهداری کنید ولی در حال حاضر منافع ملی در خطر است نه وحدت ملی، بیابندیه قسمی که خورده ایم وفا دار باشیم (نمایندگان - هستیم) الحمد لله، بیابند با هم بنشینیم هدفمان یکی است در الفاظ اختلاف نداشته باشیم سوء تفاهماتی هم اگر پیش آمده جناب نخست وزیر بدون تعصب اعتراف کنند و بعد از این هم تعصب را کنار بگذارند مخالفین هم دست از لجابت بردارند تا ناسامانیها ریشه کن گردد اگر هم این کار را نمیکنند ساکت کناری بنشینند و ببینند در خاتمه عرایضم از جناب نخست وزیر استدعا دارم که مراتب جان بازی و فدا کاری

فرد فرد مردم کردستان را در اجرای او امر شاهنشاهی را به پیشگاه مقدس همایونی عرضه فرمائید.

بجهانیان اعلام می نمائیم که پیوند ملت ایران با شاهنشاهی ایران ناگسستی است و ملت ایران استقلال، عظمت، سربلندی و سرفرازی ملت ایران را از شاهنشاهی دانسته و از هرگونه جان بازی و فداکاری دریغ نخواهد نمود موفقیت جنابعالی و همکاران محترمان را در اجرای او امر شاهنشاهی آریامهر که جز برای رفاه و آسایش ملت ایران شرفصدور نیافته از خداوند بی نیاز نیازمندم (احسنست)

رئیس - آقای پارسا مطلق تشریف بیاورید.

جلال پارسا مطلق - همکاران عزیز - نمایندگان محترم - خانها و آقایان.

ناله را هر چند میخواهم که پنهان بکنم

سینه میگویم که من تنگ آمدم، فریاد کن

(احسنست)

بهنگام شروع دولت جدید اولین مطلبی که از سوی رئیس دولت عنوان شد چنین بود «هم وطنان بپاخیزید سیهن در خطر است» جمله ای هراس انگیز و در عین حال تعجب آور. زیرا تا دیروز دولتها ایران را مرکز ثبات و آرامش غرب آسیا محسوب میداشتند. اما امروز در مدت بسیار محدودی استقلال آن بخطر افتاده و رئیس دولت از ملت تقاضای استمداد میکند. و اگر چنین مسئله ای واقعیت دارد چرا دولت های سابق و سابق شهامت ابراز نداشتند.

و پیوسته مردم را با شعارهای گمراه کننده و تو خالی سرگرم مینمودند. و آیا هیچوقت بفکر آن افتادند که از بروز ناراضی مردم که هر روز هم برداشته آن افزوده میگردد جلوگیری کنند؟ پس آنها عالمی و یا عمداً و یا ناخود آگاه وضعی را بوجود آوردند که صبر و شکیبایی مردم بسر رسیده و آنرا بمرحله انفجار کشانید. بینیم عامل اینهمه ناراضی که در چند سال اخیر مردم با آن مواجه بودند چه دستگاهها و چه اشخاصی هستند بر هیچکس پوشیده نیست که خود کامگی و اعمال زور و عدم توجه دولتهای گذشته علل اصلی وضع اسف باری است که در حال حاضر مملکت با آن مواجه است (صحیح است) اگر دولتها توجهی به نظریات مردم داشتند و به افکار عمومی احترام میگذاشتند و قوانین ضد و نقیض در جهت آزار و اذیت مردم بمرحله اجراء در نمیآید یا مسلماً اوضاع مملکت در حال حاضر چیز دیگری بود. آنها بودند که بهیچکس اجازه کوچکترین اظهار عقیده و تکلمی نمیدادند (صحیح است) و آنها بودند که بدرخواستها و شکایت قانونی مردم کوچکترین توجه و

سعی کرده ام که گفته هایم دور از غرض و رزی وی نیاز از هرگونه شعار و گفتار واهی باشد. تردیدی نیست که همه ملت مسلمان ایران سخت پایبند با اصول اخلاقی و انسانی و معنوی است و در زیر لوی تعالیم دین مبین اسلام بقانون اساسی مملکت سخت پایبند است.

روحانیت ایران که خود از پیش کسوتان و پایه گذاران مشروطیت و قانون اساسی ایرانست درین ملت مسلمان ایران از احترام خاص معنوی برخوردار میباشد. (صحیح است) اعتقاد و ایمان مردم ایران بدین مبین اسلام متضمن استقلال و تمامیت ارضی مملکت ما بوده خواهد بود.

اسانه ادبی که نسبت بمقام روحانیت وسیله بعضی از مأمورین انتظامی بعمل آمد مردم ایران را سخت متاثر و متالم ساخت و من آرزو میکردم که این اشتباه بزرگ پیش نیامد و خاطر آیات عظام مملکت ما را آزرده نمیساخت بهرحال همه این مسائل دست بدست هم داد و یکسره اعتراض همه قشرهای اجتماع را برانگیخت. روزی که حادثه تأثر انگیز تبریز پیش آمد - در همین مجلس جناب پزشکپور که بوطن پرستی و خدمتگزاریش به جامعه ایرانی هیچ جای بحث نیست. ضمن ایراد مطالبی - اعلام کردند که از غائله تأسف آور تبریز نباید بی اعتنا گذشت و باید در رفع ناراضیها فوراً اقدام نمود. اما متأسفانه جوابی که بایشان در مجلس شورای ملی داده شد (این بود که این قبیل بحثها ذکر مصیبت است) اما دیدیم که روز بروز دامنه این ناآرامیها و ناراضیها وسعت بیشتری گرفت که سرانجام - خون تعداد زیادی از فرزندان عزیز این آب و خاک بر زمین ریخت و خانواده های زیادی را داغدار نمود - و ملت ایران را سخت متأسف و متالم ساخت. آیا این وقایع ناشی از خود کامگی و قانون شکنی و فشارهای ناروای دولت های سابق نیست؟

و آیا خود جناب آقای شریف امامی که سالها ریاست مجلس سنا را داشتند پیوسته سیاست این دولت ها را تأیید نکرده اند. جناب آقای شریف امامی شما روزی که فرمان نخست وزیری بنامتان صادر شد - اظهار داشتید که این دولت - دولت آشتی ملی است. و آیا دولت آشتی ملی با اعلام حکومت نظامی و بستن مسلسل بروی مردم میخواهد آشتی ملی بوجود آورد؟ و آیا اگر در بین جمعیت عظیم ناراضی که جز اجرای صحیح قانون اساسی بحث دیگری نداشتند - اگر چند نفر اخلاکگر و فرصت طلب وجود داشت که میخواستند از آب گل آلود ماهی بگیرند و شعارهای ضد ملی

ترتیب اثری نمیدادند و باید بگویم ای آزادی وای قانون چه جنایتها که بنام تو نمیشود صدای حق طلبانه و نضرع آسیر مظلومین و ستم دیدگان هم بجائی نمیرسد. این افتضاحات و گستاخی ها را بجائی کشاندند که حتی مرکز قانونگذاری مملکت را وسیله ای برای اجرای اعمال خلاف قانون خود میدانستند و اگر نماینده ای مطالبی را در جهت خیر و صلاح مملکت عنوان میکرد مورد تهدید و بی مهری قرار میگرفت و کوچکترین توجهی بخواست قانونی و مشروع او نمیشد. نظریات مردم و نمایندگان آنها از طریق رسانه های گروهی در معرض قضاوت ملت ایران قرار نمیگرفت (یک نفر از نمایندگان -

ولی ماسکوت نکردیم). دست تقدیر مرا هم بعنوان نماینده میاندورهای به این مجلس رهسپار کرد تا به صلاح و خیر مملکت مطالبی عرض کنم البته از موکلین خود خجالت میکشم چون نگذاشتند درست بوظیفه خود عمل کنم. سانسور شدید مطبوعات یعنی رکن چهارم مشروطیت بطرفی اجراء شد که تعداد زیادی از روزنامه ها و مجلات تعطیل شدند. و بقیه هم نیز بخاطر نداشتن مطالب اصولی در حقیقت خواننده ای نداشتند. فساد و اهمال کاری و بوروکراسی در بعضی از دستگاههای اجرائی به منتها درجه حد خود رسیده بود. بطوریکه فقط تنها اشخاصی میتوانستند از هفت خان ادارات جان سالم بدر برند که بتقاضای نامشروع و خلاف مسئولین جامعه عمل پیوشانند در احراز مشاغل و پست های دولتی و متأسفانه حتی ملی کلاً روابط حاکم و سرنویست ساز بود و آنچه که خریداری نداشت ضابطه و معیارهای واقعی و انسانی بود.

و این اعمال مسبب اصل گوشه گیری خدمتگزاران صدیق و زحمتکش مملکت گردید. و عامل اساسی برای ترغیب و تشویق نادرستی و اشاعه فساد سرگردانی و معطلی و عدم احترام بحقوق انسانی افراد در بیشتر دستگاههای اجرائی پیوسته نیشتری بود که قلب فرد مردم را جریحه دار میکرد. و با امکانات مادی و مادی که در این چند سال مملکت از آن برخوردار بود برنامه های عمرانی و زیر بنایی آنچنانکه وعده داده بودند و انتظار میرفت پیشرفتی نکرد.

و عملاً پول و وقت مملکت بیهوده تلف گردید. بنده آنچه را که میگویم از روی کمال صداقت و بنا بر وظیفه وجدانی و عشق زاید الوصفی است که باین مملکت و همه نهادهای اجتماعی و بنیادی آن دارم. و همیشه

میدادند نمیشد بطرق دیگر آنها را دستگیر و از صفوف مردم وطنپرست و مسلمان جدا نمود؟ مگر همین مردم ایران نبوده‌اند که در سخت‌ترین شرایط با نار جان خود از قانون اساسی و تمامیت ارضی مملکت دفاع کرده‌اند در هر صورت کاری است انجام شده و ایست ریخته شده و خداوند بیهمة مصیبت دیدگان صبر و شکیبائی عطا فرماید جناب آقای شریف امامی درست بخاطر دارم در سال ۱۳۴۰ زمانی که دانشجو بودم جنابعالی به نخست‌وزیری انتخاب شدید و در حالیکه در آن هنگام وضع مملکت هم زیاد آشفته نبود در مدت محدودی که این سمت را داشتید عملاً نتوانستید کار مثبتی انجام دهید اما در این هنگام که بقول خودتان وطن در خطر است با چه برنامه برق آسانی میخواهید رضایت عمومی را فراهم کنید و آشتی ملی را بوجود آورید؟ برنامه دولت جنابعالی را بدقت مطالعه کردم اما چیزی بیشتر از برنامه‌های پر زرق و برق دولتهای گذشته که گفتند و عمل نکردند در آن مشاهده نکردید.

مجبائی - اگر تحریکات شما بگذارد مشاهده می‌کنید **پارسا مطلق** - این فکر جنابعالی است البته تنظیم برنامه‌ای ایده‌آل در روی کاغذ کارچندان دشواری نیست اما مرحله اجرا در آوردن آن کار مشکل و دشواری است بکشاورزی مملکت اشاره شده است کشاورزی که در حقیقت در حال احتضار است و آخرین نفس‌های خود را میکشد سالها نشستند با اصطلاح برای مدرنیزه کردن کشاورزی برنامه ریختند و پول‌ها بقول خودشان خرج کردند و آمارهای ساختگی بخورد مردم دادند اما مرانجام دیدیم که کشاورزی ما راه افول پیمود و دهات از سکنه خالی شد و پیش آمد برای کشاورزی مملکت آنچه که نمی‌بایست پیش‌آید (صحیح است) پس از رفورم ارضی که جهت ایجاد خرده مالک و علاقمند کردن کشاورز به ماندن در ده خود بوجود آمد، امید زیادی بود که سطح تولیدات کشاورزی به پایه‌ای برسد که علاوه بر تأمین احتیاجات داخلی، کشور ما جزء صادر کنندگان محصولات کشاورزی درآید. اما متأسفانه دیدیم که در اثر بی‌توجهی و خودسری مسئولان در کشاورزی مملکت وضعی بوجود آمد که ناچار شدیم اکثر مواد غذایی مورد نیاز مردم را از خارج وارد کنیم و می‌بینیم که بیشتر دهات ما به بیابان تبدیل شده و بیشتر قنوت مملکت که قرن‌ها مورد استفاده مردم بوده خشک شده است دهات اکثر آنرا از سکنه خالی شده و اگر هم افرادی هنوز در آنها ساکن باشند یا پیر مردان هستند و یا زنان و یا کودکان، کشاورزانیکه

با نیروی خلاقه خود می‌بایستی مواد غذایی مردم مملکت را تأمین کنند بسوی شهرها کوچ کرده و به شغل عملگی و یا بلبط فروشی و یا بلال فروشی مشغول شده‌اند. و در حقیقت بصورت افرادی غیرمولد سربار شهرنشینی شده‌اند که خود با هزاران مشکل سربگریبانند هنگام طرح بودجه سال ۱۳۵۷ در مجلس شورای ملی عنوان کردم که در حال حاضر کشاورزان ما از گندم امریکائی و پتربلغاری و منسرخ هلندی و گوشت استرالیائی استفاده می‌کنند و آیا دولت تاکی میتواند این قبیل محصولات را از خارج بقیمت گزاف بخرد و بقیمت ارزان در اختیار مصرف‌کننده بگذارد آیا ما برای همیشه پول نفت را داریم که باین خاصه خرجی خود ادامه دهیم؟ و آیا اگر روزی روی مسائل سیاسی و یا نداشتن پول و قطع راههای دریائی این مواد بما نرسد چه سرنوشتی در انتظارمان خواهد بود؟ اما با کمال تأسف کوچکترین توجهی هم باین مطالب نشد و وزارت کشاورزی راهی را رفت که از گذشته جلوی پایش بود در روستاهای مملکت کشاورز را به خدا سپردند و در مشکلات روز افزونی که گریبانگیرش بود کوچکترین حمایتی از او نشد نه باشین آلات کشاورزی در اختیارش گذاردند و نه بذرو کود باو دادند و نه محصولش را با قیمت تمام شده خریدند اگر ماشینی هم بده آمد پس از مدت کمی بواسطه نبودن تعمیرگاه خراب شد و عملاً از حیث انتفاع افتاد اگر باغ و یا محصول کشاورز طعمه سبیل و یاسرم‌زدگی شد کسی کوچکترین مساعدتی بکشاورز نکرد، و آن تنها کشاورز بود که از هستی ساقط شده بود بخاطر دارم که در سال گذشته بیش از چند صد میلیون تومان بکشاورزان در اثر سیل و آفات خسارت وارد شد متأسفانه فقط کمک وزارت کشاورزی در برابر اینهمه زیان فقط هفت میلیون تومان بود در چند سال اخیر برای بهره‌وری از زمینهای زراعی مرغوب آمدند در این مملکت شرکتهای سهامی زراعی و یا کشت و صنعت تشکیل دادند هرچند که فلسفه ایجاد این قبیل شرکتهای همچگونه ایرادی ندارد اما مسئولان وزارت کشاورزی بدون کوچکترین آمادگی عملاً زمینهای کشاورزان را تصاحب کردند و بیخیال خود برای آنها شرکت تشکیل دادند و سرانجام هم با صرف هزینه‌های تاکنون هیچگونه موفقیت چشمگیری نداشته‌اند و عملاً سهامداران این شرکتها را آواره و در نهایت غیرت و تنگنستی قرارداد داده‌اند (هرسهم ۱۶۰ ریال) در حالیکه اگر وجوهی که وسیله این شرکتها بمصرف رسیده بدست خود کشاورزان میرسید در بالا بردن سطح تولید

و مآلاً بی‌نیازی مملکت از محصولات خارجی اثر بسیار نیکویی داشت.

محمد نوری - صحبت از مسائل جیرفت بکنیدنه همه مملکت.

پارسا مطلق - از دولت تقاضا کردم که چه خوب بود حسابرسی دقیقی از دخل و خرج این شرکتها میشد تا اگر پول مملکت بهدر رفته است لااقل از همین جا جلو آن گرفته شود اما این پیشنهادها نظیر صدها پیشنهاد دیگر بلا اثر مانده. تقاضای بیمه محصولات کشاورزی و تثبیت قیمت آنها مکرر از دولت شده است اما اینهم جزبوعده و وعید اقدام دیگری را در بر نداشته است بارها اعضاء شرکت سهامی زراعی وضع نابسامان خود را تلگرافی باینجناب اعلام نمودند که عیناً برای وزارت کشاورزی فرستادند اما کوچکترین اقدامی در جهت خواسته سهامداران بعمل نیامد - برای احیای کشاورزی آمدند و بانک توسعه کشاورزی تشکیل دادند اما عملاً دیدیم که اکثریت این وام‌ها به افراد غیر کشاورز پرداخت شد و معلوم هم نگردید که به چه مصرفی رسیده است و بر همین اساس تقاضا کردم که ایکاش دولت اعلام مینمود تاکنون این وام‌ها به چه اشخاصی داده شده و نتیجه آن برای ازدیاد سطح تولید تا چه حد بوده است بارها صدی از دولت گرفتند و صدی بیست به مردم دادند اگر جزئی وامی هم بانک کشاورزی در اختیار کشاورزان میگذاشت با مشکلاتی که ادارات تعاون و جنگلداری جهت پاسخگویی به استعلامهای

مورد لزوم که گاهی بیش تر از یکسال هم طول میکشد. فراهم میساختند عملاً کشاورزان را از اخذ وام منصرف مینمود. کشاورزی که با پائین بودن قیمت محصولش و با بالا رفتن هزینه‌های کشاورزی زیانهم میدهد بایستی

هرسال مبلغی هم برخلاف قانون بوزارت نیرو جهت حق النظاره آب بپردازد. در حالیکه کوچکترین اقدامی هم جز اخذ پول از سوی وزارت نیرو برای او بعمل نیامد و حتی برای اجازه حفر یک حلقه چاه بایستی چند سال در راهروهای ادارات آبیاری رفت و آمد کنند وزارت کشاورزی برای جلوگیری از تبدیل اراضی زراعی مرغوب به مستغل شهری از تفکیک اراضی جلوگیری کرده است و حتی اجازه تفکیک باغها را هم نداده است اما باید دید در جاهائیکه اراضی مرغوب وجود ندارد و باغات کوچکی در آنهاست چگونه این قبیل اراضی و باغات بایستی اداره شود و این مطلب باعث شده است که هزارها باغ مشمر و پرمحصول در مملکت در اثر مشاع بودن خشکیده شده و به بیابان تبدیل گردیده است. در چندماه قبل باتفاق وزیر کشاورزی

برای بازدید کشاورزی حوزه انتخابیه ام شهرستان جیرفت مسافرتی نمودم و از مدت‌ها قبل بمردم قول داده بودم که شخص وزیر می‌آید و بهمه مشکلات شما رسیدگی میکند. اما ایکاش که جناب وزیر شریف نمیردند و با هزاران شکایت کشاورزان ناراضی مواجه نمیشدند - چون تنها اقدامی که بعمل آمد - تأیید گفته‌های مأمورین وزارت کشاورزی بود و عدم توجه به هزارها درخواست و شکایات مردم سالها از دولت تقاضا شد که در قیمت گندم که حداقل با وسائل قدیمی بیش از کیلویی بیست ریال تمام میشود بایستی تجدید نظر شود که بالاخره کیلویی ۱۰ و ۱۲ و اخیراً هم ۱۴ ریال قیمت گذاری شده است. اما اینهم

دردگندم کار را دوام نمیکند - و تکیه گندم تا کیلویی پنجاه ریال از خارج خریداری می‌شود و کیلویی ۷ ریال بمصرف کننده داده می‌شود چه مانعی میتواند وجود داشته باشد که همان گندمی که در ایران تولید می‌شود کیلویی ۳۰ ریال خریداری شود و ۷ ریال بمصرف کننده داده شود. این امر لااقل این نتیجه را دارد که کشاورز را بگندمکاری تشویق میکند و ما را از محصول خارجی بی‌نیاز میسازد بهر حال مشکلات و نابسامانیهای که مسئولان در گذشته برای کشاورزی مملکت بوجود آورده‌اند فاتحه کشاورزی را خوانده است و آنهاائیکه کشاورزی مملکت را باین روز فلاکت بار کشاندند چرا نبایست نظیر مسئولان وزارت بهداشتی بمحاکمه کشانده نشوند و سزای خودسرینها و یا سوء استفاده‌های خود را بدهند.

اسحق نژاد - صحیح است.

چند نفر از نمایندگان - مسبین نایب‌دی کشاورزی ایران هم باید محاکمه شوند.

پارسا مطلق - در قیمت آموزش و پرورش که مهمترین وسیله پیشرفت و ترقی جامعه است متأسفانه از نظر کیفی و همچنین کمی توجه کافی نشده است. سالها از رفاه و تأمین زندگی طبقه شریف و زحمتکش معلم صحبت میکنیم برای او در خیال خود مسکن میسازیم و از هر لحاظ زندگی را تأمین میکنیم اما عملاً می‌بینیم که این حرفها کمتر از جنبه تئوری بصورت عمل درمی‌آید معلمی که پس از مدت ۲۰ سال خدمت هنوز حقوق دریافتی او به سی هزار ریال نمیرسد بایستی برای اجازه فقط دو اطاق مبلغی بیش از دو هزار و پانصد تومان کرایه بپردازد. آنوقت به‌بینیم آیا این معلم چگونه با خیال آسوده و راحت میتواند در سرکلاسه‌های ۷ نفری به آموزش نوابوگان این آب و خاک بپردازد. آیا سراغ داریم که در احراز مشاغل در وزارت آموزش و پرورش غیر از روابط

ضوابط و لیاقت و ناردانی افراد مد نظر قرار گیرد و چنانچه این عملها بر مبنای ضوابط انجام شده باشد بسیار اتفاقی و نادراست همیشه معلمی که من خود یکی از آنها میباشم در وزارت آموزش و پرورش و در این خانه معلم احساس بیگانگی کرده‌اند و کمترا اتفاق افتاده است که بخواست قانونی و مشروع معلم کمترین توجهی شده و بخواستهای ترتیب اثری داده شود همه خوب میدانیم آموزش در مملکت ما پیوسته دستخوش دستورالعملها و تصمیم گیریهای غلط و نارسا بوده است و در ایتمورد بدآموزیهائی مشاهده میگردد که ذرات آنها خارج از بحث امروز است بعنوان مثال روش جدید تحصیلات بعد از دبستان که تازه پس از یک دوره آزمایش کلاس سردرگمی برای آموزش و پرورش و دانش آموزان و خانواده‌های آنها شده است مسئولان آموزش و پرورش سعی کرده‌اند که همیشه آبارهای پر زرق و برق بمرم ازانة دهند که مادر حال حاضرده میلیون بحصل داریم و الحمدالله کتابهای درسی بموقع بدست دانش آموزان رسیده اما هیچگاه نگفته‌ایم که فرزندان این آب و خاک چرا بایستی در کلاسهای ۹۰ و ۷ نفری در حالیکه جای نفس کشیدن ندارند بفرارگرفتن علم و دانش بپردازند من میدانم کمی باید وضع کلاس برای دانش آموزان این مملکت حل شود؟ شما میگویند ما در حال حاضر این تعداد بحصل داریم و برای آنها این تعداد کلاس لازم است و باز میدانید که در سال بعد چه تعداد بردانش آموزان شما اضافه میشود اما دست روی دست گذازده می‌شود که مشکل سال آتی هم از نظر جا بمشکلات سال قبل اضافه گردد و آنوقت برای اینکه صدای خانواده‌ها در نیاید مبادرت به تأسیس کلاسهای ۷۰ و یا صد نفری میکنید و انتظار هم دارید که بچه‌ها خوب درس بخوانند خوب بود دستگاه آموزش و پرورش مملکت دست از کارهای نمایشی بر میداشت و بیشتر به اصول میپرداخت و ضمن رفع مشکلات طبقه معلم از طریق اصولی و واقعی در بالا بردن سطح دانش و فضیلت و تقوی فرزندان این مملکت که ثروت لایزال کشور محسوب می‌شوند اقدام مجدانه‌ای بعمل می‌آورد جناب آقای شریف امامی بذر بدبینی و یأس آوری که در گذشته عالماً یا عامداً و یا از روی بی‌توجهی و غرور در میان جامعه ما پاشیده شد خود جنابعالی بهتر از من بدانها واقف هستید در حالیکه قانون اساسی وطن ما متضمن خیر و صلاح و نیکیختی ملت ایران است حریم آن از سوی دولت‌های وقت بطور کامل رعایت نشده و اعمال قدرت قوه مجریه در قوه قضائیه و مقننه مملکت

اثرات سونی را از خود باقی گذاشته است که همه ما شاهد و ناظر عوارضات آن هستیم. دادگستری ما که بایستی دور از هرگونه مسائل تحمیلی و از روی کمال حق و عدالت اعمال قدرت نماید عملاً زیر نفوذ دولتها قرار گرفت

بکنفر از نمایندگان - چنین چیزی نیست.

پارسا مطلق - و این عمل تا جانی پیشرفته است که وزیر دادگستری سابق آنچنان که در روزنامه هانوشند که دونفر از قضات شریف این مملکت را فقط بجرم اجرای صحیح قانون و عدالت تبعید کرد. در حالیکه خوشبختانه قضات شریف و پاکدامن و بافضیلت ما در این مملکت تعدادشان بسیار زیاد است نیکوتر آن بود که با تأمین رفاه کامل زندگی این طبقه شریف اجازه داده میشد در راه اجرای عدالت و یاری از مظلوم و مبارزه با فساد بدون کوچکترین انگیزه خارجی این وظیفه سنگینی را که قانون اساسی بمعهده قاضی محول کرده است با اطمینان خاطر بانجام رساند و در اینجا من تردیدی ندارم که جناب وزیر فعلی دادگستری که فرد لایق و بی نظیری است در تحقق بخشیدن اختیارات کامل قانونی قوه قضائیه مملکت و تأمین زندگی قضات اقدامات چشمگیر و مؤثری ببدول خواهند داشت آیا اگر بخاطر اخذ مبلغی آنهم ناچیز بنام عوارض گذرنامه حتی قبل از تصویب قوه قانونگذاری عمل نمیشد چه مشکلی پیش نیامد. و یا آیا اصولاً در هیچ جای دنیا بخاطر مسافرت بکنفر از کشورش به کشور دیگر عوارض دریافت میگردد؟

آستانه‌ای - خیلی از کشورها اصلاً اجازه خروج از کشور را نمیدهند.

پارسا مطلق - آنها کشورهای کمونیستی هستند، بهرحال در حالیکه وضع مالی مملکت ما رضایتبخش است آیا سزاوار است همه زوزه اینهمه عوارض و مالیات برای مردم وضع کنند؟ یکروز مردم بجرم تهران نشینی بایستی بدو آبی و تا چهل هزار ریال و بعداً همه ساله پنجهزار ریال عوارض اتوبییل به شهرداری بدهند و در حالیکه نه وسیله نقلیه عمومی در اختیار دارند و نه محلی برای توقف اتوبییل شخصی خود. و این امر باعث شده است که بیشتر تهرانیها اتوبییل‌های خود را در شهرستانها شماره گذاری کنند و در تهران از آن استفاده نمایند. و مردمی هم که این عوارضات سنگین را میپردازند اگر برای هر عمل ضروری یک لحظه هم کنار خیابان که متأسفانه همه آنها هم تابلو توقف ممنوع و عبور ممنوع

داوند بایستند با برگ جریمه افسر پلیس مواجه میشوند. و معلوم هم نیست تکلیف این مردم چیست و سالها هم میگذرد که میخواهند برای آنها پارکینگ چند طبقه و سرو و تراموا بسازند که البته تاکنون هم از جنبه حرف بحرف عمل در نیامده. آمدند در تهران و بعضی شهرها داخل محدوده و خارج محدوده درست کردند و این عمل جز سرازیر کردن میلیونها تومان پول خلق الله بحیب یکعده مفت خور و فرصت طلب که زمینهای داخل محدوده را بقیمت‌های نجومی بخریدم که برای زندگی سربناهی میخواهند فروختند و بر ثروتهای بادآورده خود سیلاردها ریال اضافه کردند چه نتیجه دیگری را عاید مملکت نمود و فقط دیدیم فرد کارگری که در خارج محدوده تهران در سربناهی که از گذشته برای زندگی کردن خود و فرزندان داشت بجرم ایجاد زیر زمین کوچکی بدون اجازه شهرداری در زیرمشت و لگدسامورین شهرداری جان داد و این امر درباره عده دیگری نیز تعمداً صادق گردید. و نیز بعلاوه وضع مسکن هم در مملکت بصورتی درآمد که امروز یکی از مشکلات و معضلات اساسی مردم گردیده است تأسیس اطاق‌های اصناف و کمیته‌های حمایت از مصرف کننده و مرکز بررسی قیمتها که برای کنترل قیمتها و رفاه اصناف و مصرف کنندگان بوجود آمدند عملاً خود عاملی برای گرانفروشی یا کمبود ما بحتاج عمومی و گرفتن عوارضات متعدد از اصناف شدند که سرانجام جز نارضایتی تولید کننده و مصرف کننده و فروشنده نتیجه دیگری از آنها عاید نشد. صنایع نوپای مملکت بخصوص آنهاییکه وسیله بخش خصوصی اداره میشد و میشود و این صنایع که مورد حمایت شدید دولت بوده و هستند. همگی می‌بینیم که جز مونتاز ساخته‌های کشورهای بیگانه هنر دیگری ندارند و فقط تنها منافعی که بکشور میرسانند نه پرداختن سود بازرگانی است که بایستی بخرانه دولت برود. و بعلاوه تولیدات صنایع مونتاز هم با قیمت‌های سرسام آور بدست مصرف کننده ایرانی برسد. و در این میان این مردم ایران هستند که بایستی تاوان ثروتهای باد آورده سود جویان را بپردازند و روز بروز بر ثروتهای نجومی آنها اضافه نمایند تا در بانکهای خارج موجودی آنها اضافه شده و ساختمانهای چندین طبقه در لندن و نیویورک و کالیفرنیا و جنوب فرانسه خریداری نمایند و با بخاطر تجدید فراش صد میلیون تومان حق السکوت بزن اول بپردازند، باصطلاح معروف آمدند - بردند و رفتند و خواهند بر بقراریکه شایع است شیلات جنوب را به ۱۶ میلیون دلار شخص با نفوذی اجاره کرد و

راه براه‌زانی‌ها به ۶۰ میلیون دلار اجاره داد. مردم میگویند چرابرنده خاویار شمال هر ساله باید بکنفر باشد؟ آن باشد که قیمت ارزانی را بپردازد - و آیا داوطلب دیگری نداشته و ندارد و جنس نامطلوبی است که بازار فروش نداشته باشد؟ مجتمع گوشت فارس که با ۴۰۰ میلیون تومان ساخته شد و ماهی ۳ میلیون تومان هزینه دارد - آیا باید برای ۶۰۰ هزار نفری مردم روزی ۲۰۰ کشتار داشته باشند و این هزینه گزاف بیهوده و بلااستفاده بماند و در نتیجه روزانه صدها کشتار قاچاق انجام گیرد بالا رفتن روز افزون قیمتها و کم بود حقوق کارمندان و کارگران زندگی عده زیادی از خدمتگزاران مملکت را آشفته و در مخاطره قرار داده است که وقتی انتظار خدمت صادقانه و بی‌ریا از کارمند و کارگر داریم بایستی بوضع زندگی او نیز توجه کرد و موقمی انتظار خدمت واقعی از او داشته باشیم که حداقل معیشت را برای او تأمین کرده باشیم سختم بدارازا کشید و شمه‌ای از مشکلات و موجبات نارضایتیهای مردم را بازگو کردم. و همانطور که در مقدمه سختم یاد آور شدم آنچه را که گفتم ناشی از حس وطنپرستی و علاقه و صمیمیت به مملکت و مقدرات آن و احترام عمیق بقانون اساسی کشور است و بلاشک برای رفع همه مشکلات تنها مسکن کافی نیست بایستی با قاطعیت و صداقت و بدون حب و بغض گام برداشت و مشکلات را صمیمانه با مردم در میان گذاشت. دست مسئولین لالیق و مساطله‌گر را از دستگاههای اجرایی کوتاه کرد - آنهائیکه بخجری با این بیت‌المال ملت بازی کردند و کشور را از مسیر واقعی خود بدور داشتند بشدت تحت تعقیب و مجازات قرار داد. هرگونه رابطه شخصی را در اجراز مشاغل از بین برد! و تنها ضوابط و لیاقت و صداقت افراد را جانشین آن ساخت اطاق‌های وزراء و معاونین و یامدیر کل که متأسفانه حتی بروی نمایندگان ملت هم بسته بود بروی همه طبقات مردم گشوده شود و بدر ددل مردم و گفته‌های قانونی آنها باسرع وقت ترتیب اثر داده شود. و باین نکته اساسی نیز توجه گردد که تنها نیاز جامعه رفع نیازهای مادی آن نیست. بلکه جامعه سخت‌نیازمند حفظ آزادیها و بر خوردار بودن از ارزش‌های معنوی و ولای انسانیت که بیش از هر چیز باید بان توجه شود ریشه بدبینی و وعده‌هاییکه انجام نمی‌شود بایستی بمرم داده شود و تا روزیکه اینهمه نابسامانی در جامعه حکمفرما است بطور قطع نارضایتی ریشه کن نشده و نباید

امید آترا داشت که مردم در مسائل مملکتی دولت را یاری کنند دولتی میتواند در رفع مشکلات موفق باشد که از حمایت قشرهای مختلف مردم مملکت برخوردار بوده و در جهت رضایت عمومی از هیچگونه فداکاری مضایقه نکند. بنابراین بحکم وظیفه و در برابر سوگندی که جهت انجام وظایف نمایندگی یاد کرده‌ام با توجه باینکه بعد از از وزرای کابینه که بکنفر از آنها تادیروز همکار ما بود اعتقاد دارم و همچنین بخود جناب شریف‌امامی احترام میگذارم با وضعی که پیش آمده است نمیتوانم بدولت حاضر رأی مثبت دهم و این آینده است که میتواند پاسخگوی همه این سؤاها باشد (احسنت)

رئیس - آقای رفعتی تشریف بیاورید.

رفعتی - بسم الله الرحمن الرحیم، سخن را بنام خدای بزرگ آغاز می‌کنم و از او مدد میگیرم، دین ما، شاهنشاه ما، کشور ما ملت ما را از شر استعمار و از شر غارتگران و از شر دشمنان اسلام و شاهنشاهی ایران نگهدارد (احسنت، آفرین) من نه این بار بسم الله گفتم بلکه همیشه می‌گفتم، من نه این بار بلکه همیشه از اسلام صحبت می‌کردم (صحیح است)، اعتقاد ما اعتقاد شاهنشاه مابیه اسلام ومذهب حقه جعفری تازگی ندارد (صحیح است) این چه کسانی هستند که ما را از روحانیت می‌خواهند بدور نگهدارند، هیئات آنها پادشاه شیعه جهان، محمد رضاشاه است (صحیح است) بگذار تا بگویم کی تفرقه انداخت، من از بیگانگان هرگز نمانم - که با من هر چه کرد آن آن آشنا کرد. (احسنت)

دروغ، ربا، قلب‌مطلب، خیانت به‌شاه و رفاه نسبی ما را به حد اعلا رساندند، مخالف و موافق ضمن صحبت‌هایی که کردند من شنیدم ولی جناب آقای شریف‌امامی من برای شخص شما خیلی احترام قائل هستم زیرا شما آن مرد نیستید که دنبال هوی و هوس بگردید شما عمری را گذرانده‌اید و در رادیو هم اعلام کردید منتسب به دیانت و مذهب هستید، من در شما می‌بینم بخاطر مقام و جاه نیامدید (صحیح است) شاید خیلی هم راضی نبودید دلیلش هم دولت شماسست که معرفی کردید آچار فرانسه آوردید که بهر پیچ ومهره‌ای بخورد! البته دولت شما می‌بایستی با صبر وموصله بیایدولی چه کنید که دشمنان نمی‌گذارند نمی‌گذارند دشمنان ایران نمی‌گذارند یک مرد خدمتگزار خدمتش را درست انجام بدهد، من از خدا میخواهم توفیق عنایت فرماید برای شما و همکاران تان چه حال وجه بعداً در خدمت شاه و ملت و دیانت باشید، و خیانت کردند به مال

ما و بنام مطلق آمدند در روزنامه‌ها مقاله نوشتند و دیانت ما و آنچه که شاه اعتقاد دارد، به آن خیانت کردند، من بشهادت دوست وهمکار عزیزم آقای قراقرزلونماننده بهار که صحبت میکردم همان روز گفتم که آقایان تفرقه اندازی است من عشایر و کشاورز تشخیص میدهم شما چطور تشخیص نمیدهید بروید جلوی شان را بگیرید جناب آقای شریف‌امامی اگر جلوی آن مطلب را می‌گرفتند امروز گستاخانی به شما نمیگفتند دست شما به خون ملت آلوده است، دست شما تمیز است و بخون ملت آلوده نشده است این زمان بود که بخون ملت دست‌درازی کرد، نه شما. من در اینجا اعلام میکنم به شرق وغرب، به استعمار و آزادی‌خواه دنیا بدانند ملت ایران خاصه کشاورزان و روستائیان و مخصوصاً عشایر ایران پشت سر شاهنشاه هستند (چند نفر از نمایندگان - همه هستند) عرض کردم همه ملت، و بدانند کارگران شریف جزو ملت ایران هستند و همه جمع هستند جناب آقای شریف‌امامی این شکافی که بین مردم ایجاد کردند سیاست بازان و دست‌های ناپاک که در مملکت ما و در صفوف ما می‌خواهند نفوذ کنند ولی انشاء الله نفوذ نکنند، من یک مطلب را اینجا عرض بکنم، آزادی را در میان مردم چگونه تعبیر کردند از ایلام می‌آیدم گذرم افتاد از همدان حوزه انتخابیه جناب قراقرز، آنجا کنار جاده خربزه و هندوانه می‌فروختند، بچه‌ها گفتند مقداری خربزه و هندوانه تازه بخیرم شب‌شنبه بود وهمان شبی بود که سازمان جهانگردی را آتش زده بودند گفتم چرا اینکار را کرده‌اند؟ مردم گفتند چرا نکنند! خیلی هم کار خوبی کردند! گفتم علتش چی هست گفتند آخرین که آزادی نیست کسی جرأت ندارد نیم مقال تریاک بکشد و نفر می‌آیند جلوی شان را میگیرند مردم از کجا تهیه کنند باید آزاد باشند که بتوانند تهیه کنند، به یقین ترا خدا چه جور آزادی را تعبیر میکنند، آزادی می‌خواهند تریاک بکشند، آلونک‌های قیطریه یک عده‌ای خانه‌های گلی دارند باین ها گفته‌اند بهر کدام از شما یک آپارتمان میدهم چرا نمیدهند متأسفانه زیربنای اقتصادی ما را اتوبان ساختند و زراکتورهای اتمی که زیربنای هر مملکت نیست (آفرین)، دانش آن مملکت است، چه خیانتها که نکردند، آمدند دانشگاه. همین‌طور مدعیان ماود دشمنان ما نمی‌خواهند که دانشجویان ما واقعاً به علم برسند و

تحصیل کنند، چرا، این دوست ما متخصص است ولی از فلان جا متخصص کامپیوتر می‌روند و از ما هفتاد هزار تومان پول میگیرند و دشمن ما میزند زیر پای ما که علمی نداشته باشم و درجه‌ها بمانیم که بیاید آن کار را بدست بگیرد و انجام دهد مسائل مملکتی ما تنها به دانشگاه و کشاورزی و درمان ختم نمیشود، آمدند حزب تشکیل دادند، حزب چپ خوی بود پایه و اساس خوی بود برای مملکت و چند تیره‌گی را کنار گذاشت و همه دست بدست هم دادیم حتی این نماینده‌ها، من قسم میخورم در حوزه انتخابیه‌ام تمام امکانات بر علیه من شد ولی مردم رأی دادند ونهشتم و گفتم آقا اگر بمن رأی بدهید میروم میگویم آقای نخست وزیر من حالا این حرفها را میگویم من در زمان نخست وزیر سابق هم گفتم ما آموزش به آن صورت سیاسی که گفتم نداشتیم والان هم نداریم دشمنان ما تبلیغاتشان به این صورت بود که عرض کردم اینها میروند جوانان را اغفال میکنند اینجا آیه‌ای بنظم آمد: وقال الشيطان.... ترجمه اش این است:

شیطان به انسان میگوید کافر بشو و بعد از اینکه کافر شد میگوید من از تو بیزارم من از خدا میترسم، جوانهای ما را میکشند به این خطهای بد و بعد آنها را ول میکنند چرا میروند به این خطها، باید دنبال صداقت رفت سبب عصیان مردم بازاری چیست، سبب عصیان مردم متدین چیست؟ مگر این مردم که عصیان کردند مگر شاه را دوست ندارند از من و شما شاه را بیشتر دوست دارند آنها که برای شاه ناراضی تراشیدند هنوز آزادند من به شما توصیه میکنم جناب شریف‌امامی وبه دولت شما توصیه میکنم به میان طبقات مردم بروید، بروید به روستاها، بروید به بازار، تا کسی سوار شوید ببینید چرا اینها ناراضی هستند، من گاهی که به بازار سر میزنم، من به جناب آقای آموزگار خیلی علاقه داشتم، الان هم دارم مرد وطن پرستی است مرد خدمتگزار است به ایشان گفتم آقا بازاریان گله دارند، از چی؟ پیرمردی را درسرای حاجب الدوله گرفتند از طرف اطاق اصناف بدون جرم، بردند جریمه کردند، شما بدانید من الان ناراحتم و تا ابد هم آنها را نمیبخشم، شما چطور قبول میکنید که پیرمرد را ببرند اطاق اصناف و جوانکی که آنجا نشسته بگوید که باید ۵۰ هزار تومان بدهی یاب زندان بروی، چکار کند باید بدهد آبرودار این ناراضی میشود والله گرانفروشا آزادند، والله بنام حمایت از سرمایه‌ها چپاول کردند، آنها آزادند، خرده‌ها گرفتن کاری ندارد منم میتوانم

بگیرم، بررسی قیمتها درست کردند قیمت جنسی که آنها می‌گذارند می‌گویند باید بفروشی، فروشنده می‌گوید آقا ارزان تر است قیمت جنس، می‌گویند باید به همین قیمت بفروشی، ریشه‌های ناراضی اینهاست همین مطلب را برای این می‌گویم که واقعاً کاری است جدی در سال ۳۶، ۳۷، معذرت می‌خواهم در سال ۵۶ صحبت کردم که این مطلب من با شما بودم بنکداران قماش تهران آمدند بهلوی من گفتند دولت، دولت‌چی، کشک چی، دولت یک عده تاجراست که سر بازار با دولتیان زدو بند کرده‌اند اینها دولتند متأسفانه نمیتوانم اسمشان را بیورم دونفرشان که مصوبیت دارند در جلسه ۷۹ و دوازدهم اسفندماه ۱۳۵۵ یادداشت فرمایید نطق بنده را بخوانید در صفحه ۲۷ صحبت کرده‌ام مقداری قماش خارجی بخاطر رفاهیت مردم دولت وارد کرد اول به بنکدارها می‌داد جلوار دولا عرض متری ۳۷ ریال بنکدار می‌فروخت ۳۸/۵ ریال چیت هندی را با ۸۰ سانتیمتر عرض دولت به بنکدار می‌داد ۲۷ ریال بنکدار می‌داد ۲۸ ریال مردم راحت استفاده می‌کردند اما یکی از این آقایان آمدند تمام قماش را یکجا خریدند و جلوارش را متری ۶۸ ریال و چیت را متری ۳۸ ریال یعنی یک تومان گرانتر فروختند شکایت کردند به جناب وزیر بازرگانی یعنی من گفتم بروید شکایت کنید و من دنبالش بودم و گفتم بروید بدهید بروزنامه رستخیز بگوئید رستخیز بنویسد چون آن روزنامه آن موقع طرفدار داشت و می‌خواندند در شماره ۴۹۴۲۱ روزنامه رستخیز در تاریخ ۲۹/۷/۵۵ و در دفتر وزیر بازرگانی آن شکایت بشماره ۴۵۷۰۶ ثبت شد در تاریخ ۳۵/۶/۷۷ اینجا را داشته باشید مقداری روغن نباتی را آوردند دولت تاجر نیست توصیه می‌کنم جنس وارد نکنید بگذارید بخش خصوصی وارد کند. روغن نباتی را گفتند که به شهر و روستا می‌فروشیم بعد از مدتی گفتند روغن فاسد شده خوب این روغن فاسد شده را باید معدوم کرد. این‌ها را یک نفر اشتها برد در جاده ساوه انبارش کرد (صحیح است) من بازرگان خوبی هستم اکثر مرا می‌شناسند چون از همه جا خیر دارم (صحیح است) گفتم بروید شکایت کنید بروید انبار را کنترل کنید سه روز بعد رفتند انبار رامهر و موم کردند و سه روز بعد نه روغن بود و نه انبار. نمیدانم حالا از کجا شروع کنم یا للمعجب این چیزی است که مدرک دارد. اگر مدرک نمی‌داشتیم نمی‌گفتم. فساد طعمشان بمردم داد شیخ الاسلام زاده را گرفتید زیاد کار بدی نکردید. اینها

یک رشته ای دنبال سرشان بود که شما گرفتید (چند نفر از نمایندگان - روحانی ها را باید بگیرند) و این رشته منافع دیگران بود که شما گرفتید و باید این رشته را دنبال کنید. شما چرا روحانی ها را نمیگیرید؟ چرا هویدا را نمیگیرید. چرا وزیر سابق بازرگانی را نمیگیرید که به شاه و دین خیانت کردند و بهائی را روی کار آوردند. برید این دستهای خائن را. شما موظف هستید بروید روحانیت ما را قانع کنید. اگر ترفید تا دو هفته دیگر شما را استیضاح میکنند. من مسلمانم فتوی مجتهد برای من حجت است هرچه بگوید اطاعت می کنم جناب آقای شریف امامی دشمنان ایران می توانستند تفکیک کنند نه تقسیم کردند نه تفکیک من یک روستائی کشاورز هستم آقای امیر پرویز مرا بی شناسد من کشاورز خوبی بودم ولی سیاستمدار خوبی نبودم. حزب مردم مرا به سیاست کشانید و گرنه من اهل سیاست بازی نبودم من راز کشاورزی آوردند باینجا و بعد هم گفتم میروم در دقان را میگویم آقای رئیس همین جابود که قسم خوردیم. همین جا بود؟ (نمایندگان - بله همانجاست، همانجا) همین جا من قسم خوردم که واقعتا را بگویم. (نمایندگان - همه قسم خوردند) من خودم را موظف میدانم. آقای شهرستانی شما آقای خوبی هستید خوب و استاندار خوبی در کرمانشاه بودید. تهران آمدید شما را زدند ولی رفیق ما شما وزیر خوبی نبودید اگر بروید کنار بیغ ماست. آقای روحانی برو، مملکت را خراب کردید یک کلمه از این صحبت ها را نه رسانه های گروهی نوشتند نه تلویزیون (یکی از نمایندگان - رسانه های گروهی تصویر نداشتند مثل ما بودند) گفتم شما به شاه خیانت می کنید (نمایندگان - بکشیدش) خیانت بملت ایران می کنید. آقای شریف امامی آقای هویدا آمد با عصا زد این جا و گفت تو از قلت میگوئی و شب هم یک عصا بدستم داد ولی ما به عصا تکیه نکردیم آکیه گاه ما خداوند است و مذهب حق جعفری و شاه (آفرین) آنکه شب ویسکی می خورد و صبح می گوید آیت الله، آیت الله شانش خیلی بالاتر از اینهاست بیاید بما راست بگوئید بخدا اعتقاد داشته باشید. بیاید این نفاق های دروغین را کنار بگذارید مدرک دارم اگر خواستید استفاده کنید مدرک من ملت ایران است. مدرک من ناراضیهایی است که مردم می خواهند در دشان را بگویند. یک عده کمونیست ها و فرصت طلب داخل اینها شدند. اینها می خواهند در دشان را بگویند. والله آشنا با تیغ نیستند اینها همان مجاهد و مملکت و شاه هستند. آمدند و گفتند این فساد چیست، این بهائی ها چه میدانند. این

هویدا چه ناراضیهایی بر سر مملکت آورد این روحانی این پول های مملکت را کجا می برد. این پول هائی که با مدرک اینجاست بدهم خدمتستان. متأسفانه خلط بحث کردم و خارج شدم. تحت تأثیر احساسات قرار گرفتم. من نه اذیم و نه استاد دانشگاه. من یک کشاورز هستم (نمایندگان - شما یک ایرانی خوبی هستید). آمدند در این مملکت گفتند بیاید اداره تعاون امور روستاها و کشاورزی را در هم ادغام کنیم. یک وزیر کم کردند و لسی صد نفر اضافه کردند رابطه و ضابطه ای هم که البته هست آقای نخست وزیر در صدر اسلام ما پیغمبر ما از روی رابطه اشخاص آورد از فامیل خودش را آورد ولی مصلح جامعه را آورد نه مفسد. مفسد نیاورد. مفسدین هستند به زمره ملیت ما خیانت کردند. میگویند سیاست خارجی. من میگویم سیاست خارجی غلط بود سیاست خارجی کی است چه می خواهند بکنند یعنی چه؟ من با یک بلوط می توانم زندگی کنم. عشایر ایران پشت سر شاه هستند. عشایری که با چهار دانه بلوط و تفنگ می توانند بجنگند. آمدند اینها را خوار کردند متلاشی کردند. روستائی عشایری که می آمد. سرزدار بود. سر باز مملکت را تأمین میکرد اقتصاد شکوفان را ایجاد میکرد او را متلاشی کردند ولی قربان تعدیل درآمد شد. بیاید من باز هم یک مدرک دیگر دارم میوه وارد میکنیم. اینها همه اش متلاشی شدن روستاها بود رزازیان را من در سال ۵۰ معرفی کردم از سال ۳۷ او میوه مملکت را وارد کرد. آقای قره باغی این شخص را خوب می شناسد. قوم و خویش در نخست وزیری داشت ما را معرفی کرد. نماینده روزنامه کیهان آمد گفت آقای این شخص را معرفی کن گفتم معرفی کنم که چکار کند. گفت می خواهم بمصاحبه کنم گفتم فرض که در روزنامه نوشتید ولی این را تعقیب نکردند چه فایده ای دارد بعد از چند روز بمن تلفن شد آقا شما مقامتان خیلی بالاست شما مرد عشیره ای هستید دوتا هندوانه زیر بغل من گذاشتند گفتم که من نه رئیس هستم نه مرنوس من نماینده ملت هستم جناب آقای نخست وزیر همان سال ۶۰ میلیون تومان از موز استفاده برد در همین وقایع اخیر ایشان میرفتند بعد از این که دولت آموزگار جلوی او و امثالهم را گرفت یک شخص دیگری اعلامیه ای علیه آموزگار نوشت بنام حسین رازانی نمیدانم شما هیچ کدامش را دیدید؟ بعد ما حمله شد گفتند آقا شما یک مرد مسلمان چرا این کار را کردید آقا که نام مسلمان نیستند رفتند شکایت ما را به آیت الله

شریعتمداری کردند که خلاف عهدنامه دولت شما پیشیانی کردید. در حالیکه من همان روز گفتم و این شاهد را شما عرض کردم که آقا شما خیانت به روحانیت و شاه نکنید این را معرفی کنید نکردند من بی دین شدم سب بدست شب، متدین است. آن کسی که اصلا نماز نخوانده متشرع شد. من نمیگویم در میان ما هم ممکن است باشند اشخاصی که تظاهر بدین داشتن کنند من با این آقای یزدی همسفر بودم ایشان در گروه مخالف هستند و من در گروه موافق ایشان میدانم که من متدین هستم یا نیستم با آقای نوربخش بودم با اکثر آقایان که در مسافرت چین و ژاپن بودیم در بانکوک بامن قرآن بود. من قرآن می خواندم دیگران نخواندند (یزدی - کاملاً صحیح است) خدا میداند آقای شریف امامی من احتیاج به هیچ کمکی از شما ندارم هیچ نوع توقعی از شما ندارم توقع من فقط به خداست شما خیال میکنید اینها که به شما حمله میکنند به شماست؟ دشمن حمله میکند به شماست؟ ما که پشتیبانی میکنیم از شماست؟ دشمن هدفی دارد ما هم هدفی داریم هدف آن ازین بردن استقلال ماست هدف ما نگهداری شاهنشاهی و استقلال، ماریشه را میچسبیم نکنند آنها برگ را میکنند. کاری نمیتوانند بکنند آقای اخلاقیوز از مخالفین هستند بنده صحبت هایی در جهت منافع مملکت میکنم آقای سرلشکر جباری و ایلخانی هستند؟ (نمایندگان - نخیر نیستند) کارشان ندارم شما سرلشکر میدانید خدمتگزار در مرز ما چه کسانی بودند (نمایندگان - شما - شما) آنها می که کشته دادند چه کسانی بودند آقای قره باغی؟ فامیلی های من بودند. آنها بودند که کشته دادند در دهلران کی بودند؟ در سهران کی بودند؟ همه میگویند خدمت کردند ز روزی کردن پشت تربیون که خدمت نمیشود. اینکه خدمت و مبارزه نیست - گفتند قره باغیست؟ قره باغیست و روغن است قره کردی که ما بخوریم باید گوشت باشد و روغن اینکه میگویم استدعا نیست. از زمانی که شما پارسال و پیر ارسال گفتند ما خدمتگزار صدیق واقعی ملت هستیم ولی کی این عده عظیم را ناراحت کرد مندم دارم گفتند کشاورزی مملکت شکوفا شد - بله با فرار دادن. من مطلب را تمام نکردم این آقای رازانی که میوه وارد میکرد یک قسمت کشتی ها که می آمد کشتی می آمد روزی ۱۰۰ تومان درآمدش بود حمالی میکرد نمی آمد زمین دیم را بکار دتا بقول جناب اجاق اگر باران بیاید تخمی و تا بدهد به مناسبتی من خدمت سید ضیاء الدین طباطبائی رسیدم در سال ۱۳۳۴ آنجا یک میوه هایی بود. ما موز را نمی شناختیم

آمد پوست گرفت و گفت این موز است میخورید؟ میدانست که من نمی شناسم موز می خواهم چکنم هر کس میوه را آزاد کند وارد کند خیانت به باغداری کرده است. تحریم کنید خوردن میوه خارجی را، یک کسی گفت پیسی حرام شده گفت میترسم عرق راهم حرام کنند. آقای نخست وزیر من در ناصیه شما میبینم اینها اعتقادشان کم است یأس دارند ولی من اطمینان دارم این عرض مرا به حضور شاهنشاه برسانید ممکن است دستور بفرمائید حضورشان بیایم. بگوئید هویدا و روحانی و دیگران را محاکمه کنند تا اینها را محاکمه نکنند مملکت از جوش و خروش نمی ایستد آقای شریف امامی تریسیدوز راه سابق را که خیانت کردند محاکمه کنید ملت ایران پشت سر شماست. شاه ایران پشت سر شماست. بهائی ها را رد کنید این همه بدبختی ها از بهائی هاست، آقایان بان ایرانست ها شما این حرفها را زدید من الان میگویم. **پزشکپور** - به ۱۰ سال صحبت های من توجه بفرمائید شما اینجا نبودید من این مطالب را اینجا گفتم. **رفعی** - شما گفتید هویدا را محاکمه کنید؟ **پزشکپور** - بله من گفتم - کدام سؤال مرا جواب دادند؟ نمیدانم عرایض من چقدر در شما اثر کرد. بنده حساب کردم برای دولت مخارج یک من گندم در دیم، مخارج یک من گندم در آبی، برداشت، چقدر است آقای امیر پرویز شما خودتان در تهران بنگاهی دارید؟ بگوئید یا آن همه پولی که شما دارید بدون حقوق کارشناسی و کارگر ببینید محصول شما با خرجش چطور میشود؟ واقعا صرف کرده یا نه؟ والله آقای وزیر شما باید سیاست کاشت داشته باشید یک سال پیاز می خریم کیلویی ده تومان آخر سال کیلویی ۱۰ ریال یک سیاست کاشت صحیح در مملکت می خواهیم شما اداره ترویج جان آموزش غلط است. کلا آموزش شما غلط است از بیخ عرب هستید، با اینهمه محصل اینهمه مهندس را پشت میز نشین کرده اید بعد جوانی که دیلم گرفته می فرستید در دهات بدبخت مادر مرده ناچار است یا تریاک بکشد یا بایستد گناه بکند. مأمورین خوبی دارید ولی چکار باید بکنند من در حوزه انتخابیه ام سباهیانی دیدم که گفتم این گوسفندان مریض اند شما خودتان اینها را تشریح بکنید خلاصه نفهمید بخشدار به ایشان حالی کرد که تشریح کردن چیست. سرنوشت ۲۰۰ هزار گوسفند مردم دست این شخص است این درست نیست. عرض کردم شما

مهندسی که از دانشگاهها فارغ التحصیل شده‌اند پشت میز نشین کرده‌اید یکی از دوستانم تعریف میکرد ۱۴ مهندس در اطراف پشت میز بنشینده اند قسم میخورد. راست میگفت یک سرهنگ بود یک مرد شریف است ما نیروی انسانی زیادی داریم. مهندس کشاورزی را مدیر کل آبادانی ومسکن کرده‌ایم اما این ضابطه واقعا راست است من اداری نیستم. حتما این ضابطه‌ها راست است اما خواستم بمن توضیح بدهید اصلا ضابطه چی هست. یک وزیر یکی خانم منشی گذاشته بود گفتم خانم با وزیر کار دارم پایش را روی پایش انداخته انگار نه انگار که مانمانده‌ایم انسانیم، اینها را بفرستید معلم کنند معلم نم داریم.

یزدی - معلمی شغل شریفی است هر کس را نباید به این کارگمارد.

رفعتی - اینها بدرد مملکت نمی‌خورند بیایید این ناسامانی‌ها را دور بریزیم یک نماینده، نماینده ملت ایران است در رفتار با او باید دقت بیشتری کرد هنوز آن وزیر با من نگران است که چرا سکرترش را ناراحت کردم! جناب وزیر این سیاست کشاورزی که عرض کردم الهام بخش بیشتر همین‌ها، روستائیان هستند که از روستا آمده‌اند ۱۷ نفر از حوزه انتخابیه‌ام را گرفته‌اند الان در زندان قصر هستند اینها کشاورزان هستند که برای کار آمده‌اند روستاها دارد خالی میشوند یک ابتکاری بخرج دادم بدنیست دستور بفرمائید اجرا شود که اگر خوب است بکار برده شود در یک روستائی آدم بوق درست کردم از ۱۴ کیلومتر آب آوردم میگویند بسا ۱۷ هزار تومان مقدور نیست من چهار کیلومتر و نیم را با ۶۰ هزار تومان آب رساندم (یکی از نمایندگان - انجمن رسانده نه شما) آب و برق را تأمین کردم والان عده‌ای از تهران رفته‌اند آنجا جناب وزیر آب دارند، برق دارند، بآنها گفتم کار هم برایشان ایجاد می‌کنم. من الان دارم تشویق می‌کنم که برگردند. آقای غضنفری بمن گفتند که ۱۰ هزار نفر از یک بخش خارج شدند. پس آتهائی که قصد دارند به مملکت خیانت کنند از این کارها سوء استفاده می‌کنند و بفتح خودشان استفاده‌ها می‌برند. آقای نخست‌وزیر در این مملکت عده‌ای به مردم و مملکت خیانت کردند. آقای معتمدی به دانشگاه تهران خیانت کرد. کتابخانه دانشگاه را بست و عصیان شاگردانش را سبب شد چون آنرا بست و به انبار تبدیل کرد. این توهین است به دانشگاه - دانشجوی عزیزترین کسان ما و شاهنشاه هستند.

رئیس - آقای رفعتی وقت شما تمام است.

رفعتی - جاویدشاه، پاینده ایران (احسنت).

رئیس - آقای منوچهر یزدی بفرمائید.

منوچهر یزدی - بنام خدای بزرگ و توانا سخن امشب خودم را آغاز می‌کنم. اجازه بفرمائید با قلبی اندوهناک و اندوهگین مصیبت جانگداز روز جمعه را که گروهی از هموطنان ما شهید راه آرمان خواهی شدند تسلیم عرض کنم. دوست عزیز من جناب رفعتی بار مراسبت‌تر کردند در لباس موافق بسیاری از صحبت‌ها و سخنانی که من می‌بایست بعنوان یک مخالف مطرح کنم، مطرح فرمودند جناب رفعتی مگر صحبت مخالفین از دیروز تا بحال چیزی غیر از آن بود که شما به آن اشاره کردید؟ با یک تفاوت که جنابعالی رئیس دولت گذشته را بعنوان یک دوست عزیز یاد کردید ولی به برنامه‌های او تاخیدولی گروه «پان ایرانیست‌ها» در همان زمان هم به برنامه‌های ایشان ایراد گرفتند سه سال تمام است که من و دوستانم در خدمت جنابعالی به همه این ناسامانیها و قانون شکنی‌ها اشاره می‌کنیم. و در دوره جلوتر شما که مرد کشاورزی هستید ولی در حزب مردم هم فعالیت‌های سیاسی می‌کردید، یقیناً آگاه هستید که در دوره ۲۲ قانگذاری مجلس شورای ملی گروه «پان ایرانیست‌ها» بودند. که دولت جناب هویدا را استیضاح کردند. بیاد دارید این گروه صرفاً بنا به اعتقاد قلبی، بنا به شناخت مفاهیم ملی و بدین جهت و بیایمان اینکه از وجب بوجب خال میهن باید دفاع کنند و بدان دلیل که عشق آنها عشق راستین به این سرزمین است، نغمه شوم تجزیه را نپذیرفتند و دولت هویدا را استیضاح کردند. حال شما چه «پان ایرانیست‌ها» را بیخشید و چه بخشید در پیشگاه ملت ایران و تاریخ ایران سرفرازند زیرا شهادت می‌وچند سال مبارزات بی‌گنشت و انحراف ناپذیر این گروه برای مملکت ما سرفرازی و سربلندی و عظمت خواستند اینها با هر نغمه شوم تجزیه طلبی مبارزه کردند. اینان از همه تیره‌های نژادی این مملکت، از همه برادران آنسوی مرز، از همه کردهای برادر آنسوی مرز بشدت بدفعا برخاستند آنهم دفاعی آشتی ناپذیر با دشمنان این سرزمین. بنا بر این در طی این سی و چند سال اینها چه می‌خواستند و ما در طی این سه سال چه خواستیم ولی با کمال تأسف بگذارید در پیشگاه ملت ایران که شما نمایندگان آنها هستید اعتراف کنم که در هر زمانی دولتهای وقت در هر شرایطی از فرصت‌های گوناگون استفاده کردند برای درهم کوبیدن این مبارزات ملی. هیچگاه فراموش نمی‌کنم. من بعنوان یک ناسیونالیست

میهن پرست و یک عضو حزب پان ایرانیست آن روزی که کنگره ششم حزب پان ایرانیست برگزار میشد دولت جناب هویدا کنگره ما را در محاصره پلیس قرارداد. مگر ما در این کنگره چه می‌خواستیم بکنیم؟ چه نغمه شوم ناسازگاری علیه مصالح ملت و مملکت از ما سرزده بود که کنگره ششم. یعنی کنگره نظری را به محاصره در آوردند؟ صرفاً بدین جهت بود که ما می‌خواستیم مبارزه راستین و فدا در آسمان و مردی را که با حق می‌شناسیم عاشق این سرزمین است به رهبری حزب پان ایرانیست برگزینیم و او، سرور، محسن پزشکیور بود دولت نمی‌پذیرفت، چرا؟ چون پزشکیور در مبارزاتش شجاعانه و صادقانه عمل کرده بود چون پزشکیور بسیاری از دیسه‌ها و توطئه‌هایی که در گوشه و کنار این مملکت بوجود آمده بود آنها را در پیشگاه ملت ایران چه در پشت این تریبون و چه از طریق روزنامه خاک و خون مطرح کرده بود بلکه، پزشکیور بود که هیات مؤتلفه انتر-ناسیونالیست‌های چپ و راست و غارتگران داخلی را معرفی کرد. و بدون تردید در هر زمانی جبهه‌هایی علیه این مرد و حزب راستین ما بوجود آمد، و جای تعجب نیست جناب رفعتی! ما به وظایف خودمان عمل کردیم، صادقانه هم عمل کردیم. اگر امروز ملاحظه می‌فرمائید که گروه ما در اینجا بعنوان مخالف دولت بیان مطلب می‌کند بجهت آنست که از دیروز تا بحال موافق و مخالف یکصد از ناسامانیهای مملکت صحبت کردند و ما چه می‌گوئیم؟ اختلاف ما با آن گروه چیست؟ مامی گوئیم آقایان، این حلقه‌ها از هم گسسته نشده است. این دولت استمرار دولت‌های گذشته است. گروهی از آقایان وزرا در این کابینه با آقای شیخ الاسلام زاده در کابینه قبلی مسؤلیت مشترک دارند، طبق نص صریح قانون اساسی ما این را می‌گوئیم، مامی گوئیم ملت ایران باور ندارد این دولتی که ارتباط خودش را با هیات حاکمه گذشته قطع نکرده، کدام هیات حاکمه! همان هیات حاکمه‌ای که جناب رستم رفعتی سه ربع تمام شرح این ناسامانیها را بیان کردند و بحق هم بیان کردند چون عنصر میهن پرستی هستند. والا مگر ما مسائل مملکت را کمتر از دیگران می‌شناسیم؟ مگر ما دلمان برای مملکت کمتر از دیگران می‌سوزد؟ ما هم همان احساس مسؤلیتی را که شما در قبال مردم این سرزمین و حوزه انتخابیه‌تان دارید، براتب بیشتر داریم. بجهت اینکه این شهادت را داشتیم که بعنوان مخالف در اینجا ایراد سخن بکنیم. و جناب رفعتی با تمام احترامی که برای شما قائم اگر

آنچه که خواستید از جناب شریف امامی، یعنی قلع و قمع بهائی‌ها، محاکمه رؤسای هیات حاکمه، اگر اینها را ایشان عمل کردند و شما فقط قول دادند که عمل می‌کنند، آنوقت بایشان رأی اعتماد بدهید (رفعتی - خیلی ممنون قربان) به سفر ما اشاره کردید. سفر پر خاطره‌ای بود، سفر بسیار پندآموزی بود، آنچنان جالب بود که ما طی این بیست روز چهره واقعی بعضی از اشخاصی را دیدیم و شناختیم. بیست روز در کنار شما بودم من و شما میدانیم از چه چیز سخن می‌گوئیم بگذارید هر اینجا این مطلب پنهان بماند! (چندتنی از نمایندگان - باعث تأسف است) بله، جناب رستم رفعتی و دوستان عزیز! مسأله مذهب و دین اسلام و بخصوص تشیع در سرزمین ما چیزی نیست که بتوان از آن بعنوان یک شعار استفاده کرد. من این را بارها گفته‌ام و شهادت شما دوستان در برنامه جناب آموزگار روی این مسأله انگشت گذاشتم که جناب آموزگار: اگر شما می‌خواهید با ناسامانیها، فحشاء و فساد مبارزه کنید باید مبانی مذهبی ما را تقویت کنید اما... افزایش قمارخانه‌ها چه بود، افزایش مشروب فروشی‌ها چه بود که مثل قارچ در سرزمین مامی روئیدند و درآمدهای هنگفت و سرشار داشتند و باین ترتیب نه تنها، مبانی مذهبی ما را تقویت نکردند بلکه علیه آن قیام هم کردند و تمام دستگاههای ارتباط جمعی را علیه مذهب ما برانگیختند برنامه‌های زادی و تلویزیون این مملکت را دیدید که چطور عروسک‌ها و دلتک‌ها را میدان دادند و دیدید که هر جا برنامه‌ای از عفت و حفظ مبانی خانوادگی بود روی آن خط بطلان کشیدند و دیدید که با نمی‌از مردم جامعه ما یعنی زنان چه کردند من یکروز به آقای قطبی گفتم از زن، از مادر، از این عنصر فداکار، که شما سال زن برایش گرفتید بعنوان عناصر تبلیغاتی برای صابون نخل زیتون استفاده نکنید او را لخت و عریان بروی پرده سینما و تلویزیون نکشانید (صحیح است) گفتم جناب قطبی این زن باید فرزندان فردای ما را تربیت کند آیا اینها لطمه‌ای بر پیکر مذهب و فرهنگ و سنت‌های ملی ما نبود (یک نفر از نمایندگان - بود) بلکه دوستان در این راه مثلاً کتابهای دکتر شریعتی را ممنوع کردند ولی به بینید در طی این سالهای اخیر چه کتابهایی را برای نسل جوان ما به ارمغان آوردند و این مصیبت بزرگی است که در مملکت ما گناه جوان ما این بود که بخاطر داشتن کتاب صمدبهرنگی به زندان رفت ولی فرخزادها آزاد بودند و در این میدان با اصطلاح هنری هر چه خواستند تاختند (احسنت) در این مملکت برای رفتن به اروپا و

آمریکا و هر گوشه دنیا و بیرون بردن ارز به مقدار آزاد هستند ولی برای رفتن به مکه و کربلا ملاحظه کنید چه ضوابطی بوجود آورده اند آنوقت باین اعمالی که بر سربانی مذهبی ما آوردند انتظار داشتید و انتظار داشتند که عدای مذهبی ما به نشینند و تماشاگر این صحنه باشند پس انتقاد کردن از این مسائل و انگشت گذاشتن روی این مسائل شعار نیست تشیع در جامعه ما نقش سازنده و زیربنائی دارد و قوانین اساسی ما که امروز بعنوان یک مدروز همه از آن یاد میکنند الهام گرفته از تشیع (یک نفر از نمایندگان - اسلام بفرمائید) بله اسلام و بخصوص تشیع و اما من که بشخصه معتقد بودم بهمه این مسائل وحتى از این دیدگاه اسلام راشناختم و این درس را لمزیدرم یاد گرفتم که بمن آموخت که فرزندانم در راه حسین نباید اشک ریخت بلکه باید راه حسین را رفت (آفرین - احسن) و بهیچ دلیل ما در راه آن کسی که در محراب مسجد نشسته شد وجه در راه او که در صحرای کربلا شهید شد اشک نمی ریزیم و اورا تظلم نمیدانیم اورا یک شهید شجاع جاوید میدانیم که برای هریرانی مسلمان و اهل تشیع لازم است که او را بعنوان الگوی زندگی خود قرار دهد پدرم بمن گفت فرزندم، ما قرآن را نباید بعنوان یک وسیله از این خانه بآن خانه ببریم قرآن را از قبرستانها بکشید بیرون و در خانه ها بفرزندانمان آموزش بدهید اما چرا ما در اینجا بعنوان مخالف ایراد سخن کردیم و میکنیم با اینکه این مطالب تکرار مکررات است ولی من در میدانم اینها را تکرار نکنم در این مملکت جناب شریف امامی جنگ اعصاب برای مردم درست کردند از نکات کوچک و ریز ریز این ذره ها جمع شد و دریائی شد جنگ اعصاب درست شد چطور؟ یک خانواده بیرفت گوشت بخرد یا گوشت نبود یا گوشت یخ زده بود می آمد سوار اتوبوس شود می بایست در صف های طولانی قرار بگیرد سوار تا کسی میخواست بشود تا کسی نبود می آمد اتومبیل پیکان بخرد نوبتی بود و اگر پارتی و دست و پائی داشت تازه باده پانزده هزار تومان گران تر به پیکان میرسید و تازه اول مکافات بود مکافات ترافیک داشت مکافات تعمیرگاه داشت و وقتی می آمد زن و بچه اش را به گردش ببرد جاده نبود و امکانات تفریحی نبود آخر شما به بینید جنگ اعصاب چقدر زیرکانه برای این مردم بوجود آوردند و چطور اعصاب این مردم را خرد و خاکشیر کردند در اینجا راجع به قطب های کشاورزی زیاد صحبت شد ولی من هرگز فراموش نمی کنم که ما بحثمان باجناب

روحانی بر سر این بود که جناب روحانی قنوت در سرزمین های خشک کویری، مثل یزد و کرمان و جنوب ایران حکم سرمایه های حیاتی این سرزمین را دارد ایشان مصرانه روی این مطلب ایستاده بود که باید قنات را نابود کرد و از آب چاه استفاده کرد گفتم جناب روحانی اگر امروز بخواهند این کانال های زیرزمینی را که در شهر من یزد که تا ۴ فرسنگ طول آن است ایجاد کنند با چه وسیله ای می توان ایجاد کرد چرا نمی خواهید از این کانال ها استفاده کنید در حالی که آب خودش دارد می آید بالا بدون موتور پمپ و امثال آنها چه عیبی دارد میفرمودند بهره وری اش کم است گفتیم بسیار خوب پس لااقل اجازه بدهید چاه بزنند میدانید چه کردند؟ در شهرها اجازه دادند که چاه حفر شود که در خانه من و شما و آن شهرنشین دیگر گلها و سبزیها در باغچه روئیده شود ولی تمام قنوت خشک شد و حداقل در حوزه انتخابیه من در ۱۵ روستا مردم خانه های خودشان را رها کردند و امروز شما بهترین ساختمانها را در این روستا های بینید باین روستاها اجازه حفر چاه ندادند ولی در شهر اجازه حفر چاه بی حد و حصر دادند خوب روستاهای ما خالی شد بر شما مبارک باد جناب روحانی رسالت خودت را برای نابودی مملکت، خوب انجام دادی.

پزشکپور - خیانت خودش را نشان داد.

یزدی - بله، او وظیفه ای داشت از جانب اجنبی که انجام داد این حرف را با همه زشتی اش میزنم و مسئولیتش را هم بعهده میگیرم.

دکتر طبیب - وزیر کشاورزی آمریکا هم همین حرف را زد.

یزدی - آقا روستاهای ما را به سلول های مرده تبدیل کردند بیائید استان یزد و به بینید این سلولهای مرده یعنی چه؟! بیائید به بینید چه بر سر روستائیان مملکت عانداً و عمدأ آوردند در حالیکه ما بر سر اینکار بحثها داشتیم در کمیسیون و گفتیم که هر یک از این روستاها یکی از پایگاههای حفظ سنت ها و آداب و رسوم ماست.

رئیس - آقای یزدی وقت این جلسه ما تمام شد بقیه بیانات خودتان را در جلسه فردا بفرمائید با اجازه همکاران محترم این جلسه را ختم میکنیم جلسه آینده ساعت ۹ صبح فردا خواهد بود.

(جلسه ساعت بیست پایان یافت)

رئیس مجلس شورای ملی - **عبدالله ریاضی**